

کتابتیں

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان فی الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقیه دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

آفاق نجف

مره آورد سفراربعین ۱۴۳۱ هـ عُنَبات عالِبات

سید عَنَباس صالِح

آفاق النجف

یقدّم الکاتب فی هذا المقال تقریراً عن سفر علمي إلى العراق فی العام ۱۴۳۱ هـ / ۲۰۱۰ م. ینتص القسم الأول من التقرير بسرّ وقائع من اللقاءات مع مراجع التقليد هناك، وقد تضمّنت ملاحظات آية الله السيد علي السيستاني حول كتاب الكافي، وقضايا الحوزة العلمية، وآية الله السيد حسين البروجردی؛ وحديث آية الله الشيخ محمد إسحاق الفيّاض حول مستلزمات التبليغ الشيعي؛ وبعض النقاط التي أشار إليها الشيخ بشير النجفي حول الشيخ محمد الحسين آل كاشف الغطاء؛ ونقاط علمية أخرى أثّرت خلال لقاءات مع السيد مهدي الخرساني والسيد محمد بحر العلوم والشيخ محمد السند.

أمّا قسم المراكز العلمية والثقافية في النجف من التقرير فيتضمّن معلومات عن كُتّبة الفقه، ومؤسسة كاشف الغطاء، والجامعة الإسلامية، ومؤسسة التراث النجفي، وبعض المدارس العلمية في النجف، ومقامات ومزارات النجف.

كما يتضمّن التقرير وصفاً لزيارة الأربعين في كربلاء، ومزارات مدينة الحلة، وآفاق التعاون الثقافي بين إيران والعراق مع تقديم بعض الاقتراحات في هذا المجال أيضاً.

چکیده: نگارنده در این گفتار، گزارشی از سفری علمی به عراق در بهمن ۱۳۸۸ ارائه می‌کند. بخش اول به دیدار با مراجع تقلید اختصاص دارد. نکات آیت الله سیدعلی سیستانی در مورد کتاب کافی، مسائل حوزه علمیه، آیت الله سید حسین بروجردی، بایسته‌های تبلیغی شیعه از زبان آیت الله شیخ محمد اسحاق فیاض، نکاتی درباره شیخ محمد حسین کاشف الغطاء از آیت الله شیخ بشیر نجفی، نکات علمی دیگر از سید مهدی خرسان، سید محمد بحر العلوم و شیخ محمد سند در این بخش آمده است.

در بخش مراکز علمی و فرهنگی نجف، گزارش‌هایی از کلیه الفقه، مؤسسه کاشف الغطاء، الجامعة الاسلامیة، مؤسسة التراث النجفی، و چند مدرسه علمیه نجف و همچنین مقامات و مزارات نجف، انتشارات و کتابخانه‌ها در نجف، زیارت اربعین در کربلا، مزارهای شهر حله، چشم‌اندازها و پیشنهادها برای تعامل فرهنگی نیز در این گزارش آمده است.

کلید واژه: مراجع نجف - دیدگاه‌ها و نکات نجف - مراکز علمی و فرهنگی نجف - مزارها نجف - کتابخانه‌ها کربلا - زیارت اربعین حله - مزارها؛ تعامل فرهنگی - ایران و عراق.

کتاب شیمه (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

[اخبار علمی و فرهنگی]
آفاق نجف

مقدمه

سفر به عراق، از مدتی قبل مدنظر بود. اما تاریخ آن، روز یکشنبه ۸۸/۱۱/۱۱ مقرر شد. ساعت ۱۳/۵ از فرودگاه امام خمینی به نجف اشرف؛ ولی تاریخ بازگشت سفر نامشخص بود. اما آن هم، بالاخره جمعه ۸۸/۱۱/۲۳ ساعت ۱۵:۳۰ از نجف به تهران تعیین شد. هدف عمده سفر، علاوه بر زیارت عتبات عالیات، پیگیری مقدمات برگزاری کنگره علامه محمد حسین کاشف الغطاء بود، که قرار است در ادامه کنگره های شرف الدین، بلاغی، شهیدین برگزار شود و چونان کنگره های پیشین، علاوه بر تحلیل آراء و دیدگاه های ایشان، به تهیه و نشر موسوعه منقح و جامع آثار کاشف الغطاء منتهی شود و قرار شد این امور دنبال شود:

۱. ادامه پیگیری و گردآوری کتابها، مقالات و اسناد مربوط به کاشف الغطاء؛
۲. مطلع کردن مراجع عظام و شخصیتها و مراکز علمی نجف از برگزاری این کنگره؛
۳. ایجاد زمینه های ایجابی برای تعامل با حوزه نجف و دانشگاه های آن برای کنگره.

اعضای این هیأت عبارت بودند از:

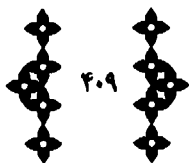
۱. حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمدرضا جلالی: ایشان از چهره های معروف علمی بویژه در حوزه علوم حدیث هستند. وجوه علمی و حسن بیان و لطافت محضرو نکات دیگر موجب شد که از ایشان فواید علمی و ظرائف تاریخی فراوان به یادگار برای من بماند.

ایشان، در پیشبرد اهداف سفر نیز تاثیر بسزایی داشتند. آشنایی دیرین و عمیق با حوزه های نجف و کربلا اعتماد مراجع و شخصیت های علمی - فرهنگی به ایشان (و بیت شریف شان) در تسهیل مقاصد سفر بسیار کمک کار بود. هم چنان که در بهره وری از برکات مادی - معنوی سفر چونان ضیافت از مهمانخانه های علوی و عباسی، و بازدید از عتبه علوی جمع را متنعم ساختند.

۲. حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد مبلغی: ایشان، برای مرتبت نخستین بود که به عتبات تشرف می یافتند. پدر ایشان، از تربیت یافتگان حوزه نجف اند - که عمر و سلامت شان مستدام باد - گویا در مدرسه آخوند حجه داشتند و یک بار برای تجدید خاطرات، ایشان از همان مدرسه با پدر مکرم شان تماس گرفتند. ارتباطات جهان اسلامی و عربی آقای مبلغی در خدمت اهداف سفر بود. ایشان به عنوان مسئول هیأت، گزارشهای لازم را در جلسات ارائه می کردند. با عربی فصیح و نمکین سخن می گفتند و ادب و تواضع، که از خصلت های ایشان است، در سفر بازنمایی بیشتری می یافت.

۳. حجة الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری: ایشان با وجه موسوعه ای خود، توانمندی زیادی را در اختیار هیأت همراه و مقاصد آن می گذاشت. اطلاعات کتابشناختی، رجال شناختی،

۱. متأسفانه ایشان مدت کوتاهی پس از این سفر به رحمت حق پیوستند. رحمه الله علیه رحمه واسعة.



فقهی، هم چنین سفرهای متعدد ایشان به عراق، خط و ربط‌های قوی و مورد اعتمادی را درست کرده بود. بخشی از تدارکات علمی و مادی سفر، به همت ویژه ایشان میسور شد. روحیه علمی و ادب متواضعانه ایشان با سخت کوشی همراه بود.

۴۰۵: حجج الاسلام والمسلمین حضرات ناطقی و زمانی نژاد: این دو بزرگوار از سابقان عرصه احیاء و درمورد آثار کاشف الغطاء، چندین سال به تفحص و تحقیق مشغولند. این ویژگی وجه کارشناسی به دیدگاه‌های ایشان می‌داد و امکان بهره برداری از آراء را برای تصمیمات لازم فراهم می‌ساخت. علاوه آنکه سفرهای پیشین این دو بزرگوار، نیز حلقه‌هایی از ارتباطات با کتابخانه‌ها و مراکز علمی نجف فراهم می‌آورد.

۶. برادرگرامی جناب آقای شریفی: ایشان با بذل عنایت و تلاش ویژه، مقدمات و فرایند سفر را تدارک کردند و با تسلط به زبان عربی و آشنایی دیرین با نجف و عراق، در حسن تدارک سفر و رضایت از آن، نقش بسزایی داشتند.

در مجموع، همراهان متناسب با مقاصد سفر و همدل بودند و برای مقاصد سفر، هریک تلاش وافر داشتند. این جانب که در خدمت عزیزان بودم، نه با آن صبغه و سابقه، که بیشتر برای من فرصت کاوش و کنکاش بود. از این رو، مهمان این وفد بودم و بر مائده آن ارتزاق داشتم. در طول سفر، به قصد بهره وری شخصی، یادداشت‌های پراکنده‌ای را می‌نوشتیم. پس از سفر، اهم نکات را به اختصار، بازخوانی و نونویسی کردم - نه به قصد نشر و چاپ که به قصد یادمانی از سفر - که برای خودم بماند و بماند!

البته سخن‌ها و دیدگاه‌ها و شنیده‌ها بس فراوان بودند اما فرصت تأمل و نگارش، آن چنان نبود. از این رو، به همین مختصر بسنده شد.

سید عباس صالحی
(اسفند ۱۳۸۸ - ربیع الاول ۱۴۳۱)

بعدالتحریر: دانشمند مکرم جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری، که چندی پس از سفر این مکتوب را ملاحظه کرده بودند، با لطف، نشر این مرقومات را در دو فصلنامه وزین کتاب شیعه امر فرمودند. در حاشیه این اجابت، دو نکته را یادآور می‌شوم:

۱. مطالبی را که از جلسات دیدار با مراجع عظام و بزرگان حوزه و محافل علمی در این مکتوب می‌بینید، خلاصه و برداشت نویسنده از این جلسات است، بنابراین مسؤولیت نقائص آن بر عهده اینجانب است. چه این که امکان عودت و نظریاتی مجدد از آن بزرگان نبود.



۲. نشر مواردی از مذاکرات در جلسات، با مشکل مواجه بود. از یکسو مطالب مفیدی عرضه شده بود که می‌تواند برای دیگران (معاصران و آیندگان) مفید باشد و از سوی دیگر بر ملاحظات گوینده وقوف کامل نبود که آیا نشر عمومی را به مصلحت می‌دانند یا نه؟

به گمان خود، کوشیدم جمع بین دو مصلحت کنم. اما احتمالاً خطاهایی رخ داده است که پیشاپیش از محضر آن بزرگان، پوزش می‌طلبم و استدعا دارم که آن را به قصور بازگردانند.

در محضر مراجع

دیدار با حضرت آیه الله سید علی سیستانی (دام ظلّه)

اشاره

دیدار با ایشان در روز چهارشنبه ۸۸/۱۱/۱۴ ساعت ۱۱:۳۰ مقرر شده بود. جلسه تقریباً از ساعت ۱۱:۴۰ صبح آغاز شد و حدود یک ساعت و ربع به طول انجامید. ایشان، در طول جلسه دوازده نشست بود و در ابتدای جلسه، دوستان را به نزدیک خود دعوت کرد و در پایان جلسه تا نیمه اتاق به بدرقه آمد. جلسه با حضور آقای انصاری بود و در پایان جلسه، فرزندشان چند بار به داخل آمدند که یادآور پایان وقت بود اما مباحث از سوی حضرت آیه الله ادامه یافت. در جلسه، قرار بود که دانشمند محترم حجة الاسلام والمسلمین جلالی نیز حضور داشته باشند که به واسطه ی عارضه کسالت، حضور نیافتند. در ابتدا و در طول جلسه، چند بار نام ایشان را به نیکی بردند و معلوم بود که کارهایشان را پیگیری می‌کنند. در هفته بعد، قرار مستقلاً با آقای جلالی گذاشته شد و ایشان جلسه‌ای بیش از یک ساعت با حضرت آیه الله داشتند.

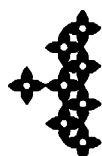
اهم نکات مطرح شده در جلسه را به شرح ذیل می‌توان ارائه کرد:

در مقدمه جلسه، حضرت حجة الاسلام مبلغی، ضمن معرفی افراد حاضر در جلسه، خلاصه‌ای از کارکردهای دفتر تبلیغات اسلامی در حیطه‌های آموزشی - تبلیغی و پژوهشی ذکر کردند و در فعالیت‌های پژوهشی، به حیطه فعالیت‌های احیاء تراث درباره شخصیت‌های بزرگ شیعه پرداختند. و سپس به مؤتمر کاشف الغطاء اشاره، و اهداف سفر را بیان کردند.

پس از توضیحات مختصر ایشان، حضرت آیه الله نکات زیر را بیان کردند:

۱. من برای این جلسه، صبح امروز تامل و مطالعه‌ای داشتم و چون گفته شده بود که آقای جلالی هم حضور دارند، تصحیح اخیر کتاب کافی را مطالعه می‌کردم. البته من در امور فکری مربوط به خودم، تنها کار می‌کنم و مساعد ندارم.

پس از بیان این مقدمه، ایشان به چند نقد بر کتاب کافی تصحیح شده، اشاره کردند:



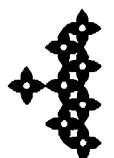


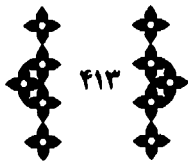
* در مقدمه کتاب، شیخ صدوق را شاگرد کلینی به شمار آورده است. برای من مسلم بود که نادرست است، اما چون آدرسی داده بود که ایشان در فقیه، کلینی را به عنوان استاد خود یاد کرده است، به «فقیه...» مراجعه کردم و دیدم که ایشان در آن آدرس، فقط روایتی را از «کلینی» نقل می‌کند و او را به عنوان استاد خود معرفی نمی‌کند. علاوه این که در ذیل همان روایت، سند خود را به کلینی با وسایط نقل می‌کند که معلوم می‌شود صدوق، شاگرد کلینی نبوده است.

* در مقدمه کتاب، تطویلات بلا حاصل در مورد تاریخ ری قبل از اسلام و بعد از اسلام... دارد.

* در مقدمه کتاب، انتظار آن بود که به جای آن مسائل و موارد مشابه، به موضوعات مهم تر پرداخته می‌شد مثلاً عالم کلامی شیعه در آن عصر (کلینی) چه کسی بوده است؟ کسانی مانند ابن قبه چه جایگاهی داشته اند؟

* در تصحیح کافی لازم بود به مسائل مهمی پرداخته می‌شد که در این تصحیح به آن توجه نشده است. کار تصحیح متون، صرفاً نباید نوعی اعاده و تجدید چاپ به شکل ارجاع به نسخ باشد بلکه باید با کارهای محتوایی نیز همراه باشد. خود من، شاید از قریب ۴۰ سال قبل در فکر آن بودم که مرحوم کلینی چگونه حدیث جمع می‌کرده است در آن موقع، سید محمد رضا (فرزندشان) ده ساله بود (که الان ۴۷ ساله است) این که تمام اصول اربعه پیش مرحوم کلینی بوده است، این مطلب را باید جزء آرزوها و تمنیات دانست نه جزء واقعیات، لذا من از همان زمان مطالعاتی راجع به کافی داشتم، روایات کافی را با کتاب‌هایی مثل قرب الاسناد مقایسه می‌کردم و همچنین با کتاب‌هایی که از کافی نقل حدیث کرده بودند از جمله به بررسی روایات صدوق از کلینی پرداختم. در این بررسی دو نکته معلوم می‌شود. نکته اول این که برخی روایات در کتاب کافی - که در اختیار ماست - با حذف برخی از وسایط است، اما در نقل صدوق از کلینی وسایط ذکر شده است. نکته ی دیگر آن که گاه متن نقل صدوق از کلینی با متن کافی موجود و در اختیار ما تفاوت‌هایی دارد. احتمال می‌رود که نسخه ی کافی که اکنون در اختیار ماست، نسخه ی بغدادی کافی باشد اما صدوق از شاگردان کلینی درری، کافی را اخذ کرده باشد. در اختلاف نقل‌های صدوق، باید به اختلاف منابع توجه شود. به عنوان نمونه، متن جامعه ی کبیره ی مرحوم صدوق با متن جامعه ی کبیره ی مصباح المتعجل فرق می‌کند. شگفت این است که مرحوم محدث نوری در مستدرک گفته است که هذا مما یوجب سوء الظن به !!! با این که ایشان در موضع دیگر تعاریف فراوان از شیخ صدوق می‌کند (اصولاً یکی از معایب ما این است که تعاریف مان را راجع به افراد و شخصیت‌ها، یک کاسه نمی‌کنیم. در یک موضوع تجلیل‌های عجیب و درجایی نقدهای دیگر که با آن تعاریف قابل جمع نیست. این تعبیر که «مما یوجب سوء الظن به» یعنی چه؟ یعنی خدای ناکرده احتمال کذب یا تحریف عمدی و یا....) در حالی که نکته اصلی این است که منابع روایی صدوق با





دیگران فرق می‌کرده است. به هر حال انتظار می‌رفت که تحقیق کافی (و دیگر کتب) تحقیق جامع و محتوایی باشد و پاسخ سولاتی از این قبیل را بدهد.

۲. (به مناسبت طرح موسوعه رؤیت هلال - که آقای مختاری تحقیق کرده است - و مکاتبات آقای سند و حضرت آیه الله سیستانی در آن مجموعه درباره رؤیت هلال، ایشان نکته زیر را مطرح کردند) دأب من، مکاتبات و پاسخگویی تفصیلی نیست. این مورد، خلاف دأب بود و لذا به جواب ایشان پاسخ ندادم. چون تجربه‌ی خوشایندی از مکاتبات علما ندارم.

اخیراً نوشته آقای... را به نقل از مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در آراء مرحوم آخوند خراسانی می‌خواندم. ایشان، مطالبی را در آن آورده است که درست نیست. از جمله گرایش نوشته به عدم دخالت روحانیت در سیاست است که تعجب است با دقت‌هایی که در چاپ و نشر کتاب درایران دارید، چگونه نشر یافته است؟! (در جلسه خدمت ایشان عرض شد که نوشته ایشان، تکثیر شده است و چاپ رسمی نشده است)

اصولاً کتاب‌های خاطرات را هر کسی یک گونه نقل می‌کند و این، به خاطر آن است که در این مجموعه‌ها کسانی که اشراف بر آن داشته‌اند، نظارت و تعاملات لازم را تا خاطرات ندارند تا از تناقض‌ها و... جلوگیری شود.

۳. (به مناسبت طرح کنگره شهید اول و دوم و نیز موسوعه شهید اول، ایشان اشاره داشتند که تحقیق آقای مختاری را راجع به شهید اول خوانده‌اند و اجازه شهید اول از فخرالمحققین مطرح شد)

این مطلب که شهید اول در زمان آن اجازه، نمی‌توانسته است ۱۷-۱۸ ساله باشد، حرف درستی است، با آن تعاریف و تجلیل‌های عجیب که فخرالمحققین از شهید اول می‌کنند. هر چند فخرالمحققین در تجلیل از افراد، اهل اغراق و مبالغه بوده است. به عنوان نمونه تعبیرات و تجلیل‌هایی که از سید حیدر آملی دارد، بسیار مبالغه آمیز است. سید حیدر، راجع به سلطان زمان خود توصیفات و تجلیل‌های شگفت دارد و.. البته من از این جهت به سید حیدر آملی توجه دارم که نشان می‌دهد که حوزه‌ی نجف، در تاریخ هزار ساله خود، علاوه بر فقه و اصول، پایگاه حوزه‌های دانشی دیگر بوده است از جمله: الف) در ادبیات، شخصیتی مثل شیخ رضی شارح کافیه در این حوزه بوده است. ب) در فلسفه و عرفان، امثال سید حیدر آملی، و این مسأله ادامه داشته است. در مقدمه کتابی که درایران چاپ شده است (حضرت آیه الله اسم کتاب را نیاوردند)، راجع به علامه طباطبایی گفته شده است که ایشان حضور عابره (گذرا و موقت) در نجف داشت، آیا ده سال حضور عابره است؟ با آن که استاد فلسفه علامه طباطبایی در نجف، فردی مثل سید حسین بادکوبه‌ای بود که مرحوم آقای خویی در مقایسه مرحوم محقق اصفهانی



با ایشان در فلسفه، می‌گفتند مانند نهر در کنار دریاست.

۴. (به مناسبت، راجع به مسائل حوزه سخن به میان آمد و ایشان در لابه لابه کلام چند نکته را در این زمینه، بیان داشتند)

۴/۱: در دیدار با آقای فلان [یکی از متولیان امور حوزه قم] به ایشان گفتم که ارتباط و اعتماد مردم به روحانیت شهر و منطقه بر اساس اعتماد متوالی در چندین دهه به خود او و خانواده اش بوده است که رفتار آنان را می‌دیدند و به مرور به اعتماد می‌رسیدند. کسانی مانند آخوند ملاعلی در همدان. برای این مسأله چه برنامه‌ای دارید؟ شما که برای مسائل مختلف می‌گویید برنامه دارید، برای این مسئله مهم چه فکری کرده‌اید؟!

۴/۲: در آموزش علم، غربی‌ها بین تاریخ علم و خود علم فرق گذاشته‌اند. در علم، باید آخرین فکر و نظر را یاد داد و تاریخ هر علم، خود رشته و دانش جداگانه‌ای است.

۴/۳: در تاریخ علم، حتی فقهای که به نقل اقوال توجه بیشتری دارند چون مفتاح الکرامه، بیشتر تاریخ علم فقه را به «حسب اقوال» ذکر می‌کنند و نه به حسب مکاتب و بررسی ادوار. در حالی که باید راجع به مکاتب فقهی و ادوار آن توجه کرد. به عنوان نمونه، راجع به مکتب فقهی یونس بن عبدالرحمن تحقیق نشده است. یا اجمالاً می‌بینیم که فقهای ما متأثر از شرایط می‌شدند، مثلاً شرایط دولت فاطمیان در مصر، تاثیراتی در فقه، گذاشته است. در باب ارث زوجه از عقار در فقه‌های قرن اول، قائل نداریم. در سنن ابی داود آمده است که زن‌ها را پس از وفات شوهر، از خانه بیرون می‌کردند، اما در دعائم الاسلام روایتی راجع به ارث زن از عقار داریم. در شرائط حکومتی، فقها و دولت‌ها درباره‌ی مسائل مختلف از جمله حقوق زن تحت تاثیر قرار می‌گرفتند. هم چنین در ادوار فقه، به ارتباطات مذاهب باید توجه بشود مثلاً ارتباط زیدیه از طریق طبرستان و «ری» با فقه و حدیث شیعه باید بررسی شود که بسیار مهم است.

۵. (به مناسبت، بحث آیه الله بروجردی پیش آمد و این که ایشان شاگرد آقای بروجردی بوده است و...، با علاقه‌ای که آقای مبلغی به این موضوع داشتند، بخشی از جلسه به این موضوع اختصاص یافت و ایشان نکات ذیل را در ارتباط با نقد مکتب آقای بروجردی بیان داشتند، در ضمن مطالب ایشان، مداخلات علمی از سوی آقای مبلغی صورت گرفت، اما ایشان مصرانه به نقد برخی از نکات در مکتب آقای بروجردی پرداختند).

۵/۱: من ۱/۵ سال (یا ۲/۵) در درس آقای بروجردی شرکت داشتم و همان زمان برای آن که مبانی ایشان را به خاطر بسپرم، تقریر درس ایشان در باب شهرت را برای خودم نوشتم.



۵/۲: عین عبارت مرحوم آقای بروجردی آن بود که ۵۰۰ فتوا در فقه است که گرچه روایتی بر طبق آن نیست اما در حکم روایت است. یا این تعبیر را می‌فرمودند که فتوای فقهای متقدم، در حکم روایت است.

۵/۳: درباره این نظریه‌ی آقای بروجردی گفتنی است:

* کتاب حرز که یونس، ینقل عنه فقهاً کثیراً، مسلماً روایت نبوده است بلکه کتاب فقهی - به معنای متداول - بوده است، چون اصولاً بحث است که حرز چه قدر روایت داشته است.

* در کتاب فضل بن شاذان فتاوی تفریعی فراوانی است و کاملاً نشان می‌دهد که تماماً نقل قول و روایت نیست.

* مطلب ابن بابویه در شرایع در باب تداخل وضو و غسل «اذا اجتمعت الصغری والكبری» مسلماً یک نظریه فقهی است و روایت در این باب نداریم.

* در خود کتاب کافی، بسیاری از تفریعات دیده می‌شود و فتاوی فقهی از یونس، فضل بن شاذان و... وجود دارد

در مجموع، به شواهد مختلف می‌توان گفت که قداماً هم اجتهاد داشتند و این طور نبوده است که فقط نقل روایت کرده باشند و فتاوی خود را حتماً به شکل روایت ابراز کرده باشند. مرحوم آقای بروجردی از مقدمه شیخ در مبسوط، خواسته‌اند این دیدگاه خود را استفاده کنند اما حرف شیخ، راجع به عده‌ای خاص از شیعه است و نه تمامی فقهای شیعه.

۶. (در آخر جلسه، به مناسبت مباحث مرتبط به نظریه آقای بروجردی، مجدداً به مکاتب فقهی توجه مجدد فرمودند)

۶/۱: نظریه عدد در ماه رمضان، از مصریه فقه شیعه راه پیدا کرده بود و از فاطمیین بود، شیخ مفید هم در ابتدا قائل به آن بود. اما بعداً ابوریحان در آثار الباقیه نوشت که بر کسانی که خود را پیروان اهل بیت می‌دانند، عیب است که چنین دیدگاهی داشته باشند و مسلماً ماه‌ها کم و زیاد می‌شود. بعد از آن است که شیخ مفید مخالف نظریه عدد می‌شود و به شدت به آن حمله می‌کند.^۲

۶/۲: در این هزار ساله مکاتب گوناگون فقهی به وجود آمده و از بین رفته است. خیلی از کتاب‌ها، توسط خودمان از بین رفته است و نه توسط اهل سنت! اگر علامه حلی تند بود، از کتاب فقه الاحمدی، چیزی به دست ما نمی‌رسید! مکتب یونس بن عبدالرحمن، ابن جنید و... توسط خودمان از بین رفت.

۲. مجالس نشد که در جلسه، خدمت ایشان توضیح داده شود که شیخ مفید سالها پیش از تألیف آثار باقیه با نظریه عدد مخالفت کرد و فقهای شیعه در مخالفت با عدد متأثر از ابوریحان نبوده‌اند. تفصیل این بحث را در روایت هلال، ج ۵، ص ۳۶۳۶ - ۳۶۳۷ بخوانید. (کتاب شیعه)



۷. (با مطالب مطروحه فوق، فرصت چندانی برای بحث کاشف الغطا، پیش نیامد، تنها از کتاب خاطرات مرحوم کاشف الغطا که شیخ شریف کاشف الغطا وپسرش اظهار می داشتند که به مدت یک هفته به امانت در اختیار ایشان گذاشتند، پرسیده شد که حاوی چه مطالبی بوده است وایشان فرمودند:)

این کتاب دارای چند بخش بود، برخی مطالب به حوادث تاریخ عراق مربوط می شد که در این زمینه کتاب های دیگری هم هست. بخش دوم راجع به تاریخ خاندان و مسائل آن (که طبعاً خصوصی تر است و باید با نظر خانواده ایشان منتشر شود) و بخش سوم در مورد زندگی علمی ایشان. من خلاصه ای از آن کتاب تهیه کردم که الان نمی دانم کجاست.

۸. (در خصوص مسائل سیاسی عراق و ایران مطالبی به میان نیامد جزیک اشاره که به مناسبت ایشان فرمودند:) روش ما این بوده که شیعه در عراق، خود را نشان دهد چون وجود شیعه در عراق انکار می شده است و ما از طریق صندوق آراء انتخابات، دنبال این هستیم که شیعه، وجود خود را در عراق به اثبات برساند.

دیدار با آیه الله شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) اشاره

قرار دیدار در روز شنبه ۸۸/۱۱/۱۷ ساعت ۵ بعد از ظهر در بیت معظم له تعیین شده بود. به نظرمی رسد ایشان شلوغ ترین درس خارج نجف را دارند، شرکت کنندگان درس ایشان در مدرسه بیت به اضافه سالن های اطراف و زیرزمین درس را استماع می کنند. قبل از جلسه و در جلسه، فرزند آیه الله - که در قم زندگی می کنند - حضور داشتند.

در ابتدای جلسه، حجة الاسلام مبلغی، روند فعالیت های دفتر، فعالیت های احیاء تراث و کنگره های علمی را بیان داشتند و هدف سفر را در زمینه برگزاری کنگره ی کاشف الغطا توضیح دادند. اهم نکات مطروحه آیه الله فیاض عبارت بودند از:

۱. شیعه در جهان به درستی معرفی نشده است. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، حوزه های علمیه محاط به دولت ها بودند و دولت ها نمی گذاشتند که تشیع و حوزه ها، صوت و بازتاب در جهان داشته باشند. در عراق، هم تا قبل از سقوط صدام چنین بود.

۲. تشیع، مذهبی معتدل و متسالم است. در آن افراط و تفریط نیست. و این نکته، متاثر از حوزه های علمیه است. چون حوزه ها بر اساس کتاب و سنت نظرمی دهند و عمل می کنند، لذا از همان ابتدا تا کنون، عالم شیعی که تکفیر کند و دم دیگران را مباح کند، پیدا نمی کنید. در معیار کفر و اسلام، بین علمای شیعه اختلافی نیست. همه یک حرف را می زنند. اما عامه، چون



چنین حوزه‌هایی ندارند، مذاهب انحرافی و افکار تندرو در میان آن‌ها زیاد پیدا می‌شود که به افراط و تکفیر رومی‌آورند.

۳. الان شیعه روبه پیشرفت است. علی‌رغم این که دولت‌های غربی در مخالفت‌اند. حتی دولت مصر، که هیچ‌وقت ضد شیعه نبود. الان علیه تشیع کار می‌کند. سه سال قبل که در عمره بودم. شیخ بدر از قطیف گفت: که ۳۰۰ نفر در خود مکه به تشیع پیوسته‌اند. در سعودی، تحصیل‌کردگان زیاد شده‌اند و آن‌ها افکار و هیایان را قبول ندارند.

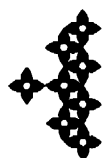
۴. فعالیت‌هایی از قبیل معرفی شخصیت‌های بزرگ تشیع، کارهای مطلوب و مناسبی است که تلاش‌های حوزه‌های علمیه را نشان می‌دهد. ایران، تنها دولت شیعه است. تمام شیعیان دنیا، نظرشان به ایران است و بقای ایران را می‌خواهند که دولت شیعی است. اسم امیرالمومنین (علیه السلام) را از رادیو و تلویزیون آن‌ها می‌شنوند و خوشحال می‌شوند. هر قدر دولت ایران قوی شود، عزت شیعه است. همین جزایر سه‌گانه در زمان شاه حرفی از آن نبود، اما الان در دوره جمهوری اسلامی، بحث اشغال و مقایسه آن با اسرائیل در میان است.

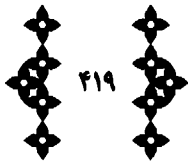
اما در این میان، گلایه‌ای از دولت ایران است که انعکاس «اربعین» در عراق در فضائیات ایران (تلویزیون‌های ماهواره‌ای ایران) ضعیف بود. اربعین امسال بسیار باشکوه بود. مردم با چه اخلاص و عقیده‌ای از بصره، ناصریه، دیاله، موصل و... پیاده تا کربلا می‌آمدند. ازدو هفته قبل از اربعین، پیرو جوان و کودک و... و چه بذل‌ها و اطعام‌ها. پزشکان آمده‌اند. و درین راه پای زوار پیاده را ماساژی دهند. تاجر کویتی آمده بود که من نذر کرده‌ام که فقط مستراح‌های بین راه را تمیز کنم. پدیده‌ی اربعین، نوعی راهپیمایی در برابر و هایت است. قضیه امام حسین (علیه السلام) همه چیز را عوض کرده و می‌کند. این امور را به لحاظ تصویری و به لحاظ قلمی می‌توان نوشت و به تصویر کشید. اما متأسفانه رسانه‌های ایران، در این زمینه کار مناسبی انجام نداده‌اند. با این که تبلیغات این امور به نفع خود ایران هم هست. لذا شیعیان این جا گلایه دارند که چرا آن گونه که باید و شاید جلوه‌های اربعین حسینی در عراق از فضائیات ایران پخش نمی‌شود؟!

۵. (بنا به مناسبت راجع به اوضاع داخل عراق اشاراتی داشتند و فرمودند:) مردم شیعه اعتراض دارند که دولت، راجع به برق، مسکن، آب و... چه کار کرده است با آن که شش سال گذشته است. اگر مراجع حمایت نکنند و دعوت به حضور در انتخابات نکنند، مردم شرکت با شکوهی نمی‌کنند.

۶. در مورد حوزه نجف، از مشکلات مادی حوزه سخن گفتند و این که مشکلات مسکن طلاب، فراوان است. مدارس خراب شده است، قیمت مسکن و اجاره بالاست و... و این که خود ایشان زمینی را برای احداث مسکن طلاب در نظر گرفته و مقدمات را از طریق دولت فراهم ساخته اما جو و فضایی







که در میان مردم است که چرا باید برای روحانیون مسکن ساخت و... مانع از تداوم این اقدام شد.

۷. درباره شیخ محمد حسین کاشف الغطا اظهار کردند که ایشان فقیهی شجاع و با جرات بود. جمعه ها، روزه داشت. دیدم که مرحوم آقای خویی به ایشان اصرار می کرد که شما درس تفسیر در حوزه شروع کنید، من برای ترویج درس تفسیر در حوزه نجف، در درس شما شرکت می کنم (بعد ها، خود آقای خویی درس تفسیر را شروع کردند)

دیدار با آیه الله بشیر نجفی پاکستانی (دام ظلّه)

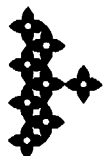
اشاره

جلسه با ایشان روز سه شنبه ۸۸/۱۱/۲۰ ساعت ۸:۳۰ بعد از ظهر قرار داده شده بود. حدود ساعت ۹ جلسه برگزار شد. طبق معمول، حجة الاسلام مبلغی از فعالیت دفتر تبلیغات اسلامی و روند کنگره های برگزار شده و کنگره ی کاشف الغطا گزارشی دادند. سپس ایشان سخنانی ایراد کردند. ایشان، قادر به صحبت فارسی هم بودند. اما بخش اصلی سخنان ایشان، به عربی بود. که به شکل خطابی و با ادبیات حماسی ایراد می کردند. با شور و نشاط حرف می زدند. خونگرم و مهربان و بسیار مؤدب برخورد داشتند. در جلسه چند نفر طلبه عراقی بودند که معلوم بود مدتی ایشان را ندیده اند (شاید برای زیارت کربلا رفته بودند یا...) به شکل بسیار مهربانانه با آنان معانقه و مصافحه کردند و آنان را در آغوش گرفتند. روحیه شور و محبت اهالی منطقه شبه قاره، در ایشان کاملاً نمایان بود. پس از خروج ما از جلسه، هیأت پاکستانی منتظر ملاقات با ایشان بودند، ظاهراً ایشان مرجعیت معتبری برای منطقه دارند.

در موقع خروج، دو جزوه و یک کتاب به ما هدیه شد. جزوه ای با عنوان سبقی النجف رائدة حوزات العالم که مطالب آن، برای ایجاد انگیزش برای احیای حوزه نجف و اقامت علمی در آن است. کتاب اهدایی هم با عنوان الشعائر الحسينیه مجموعه ای از استفتائات مربوط به شعائر حسینی بود که کار ابتکاری و قابل توجهی است. پاره ای از دیدگاه های اصلاحی و ضد خرافی ایشان هم در پاسخ استفتائات خود را نشان می داد.

اهم نکات مطرح شده، در جلسه عبارت بود از:

۱. احیاء تراث علمای شیعه، احیای دین است. من به شوخی به یکی از مقامات جمهوری اسلامی گفتم که حظ و سهم ما از جمهوری اسلامی، همین تراث شیعه احیاء شده در ایران است.
۲. در کنار احیاء تراث علمای شیعه، احیای موسوعات روایات شیعه هم بسیار مهم است.
۳. درباره بررسی شخصیت عالمان شیعه، باید توجه کرد که: لایتبرز شخصیه العالم إلا من خلال الظرف الذی عاش فیه. باید به شکل مناسب و گسترده، شرایط اجتماعی و تاریخی شخصیت



مورد توجه قرار گیرد.

۴. مرحوم علامه کاشف الغطاء، کارهای مهم و خصلت‌های ویژه‌ای داشتند. نوشته‌هایی چون تحریر المجلة، المثل الأعلى فی الإسلام و... و سفرهای مکرر به فلسطین و پاکستان، و سخنرانی داشتند. در مجموع رجل موسوعی و مختلف المیدانات بود. در بین ویژگی‌های ایشان، جرات و جسارت ایشان قابل توجه است که چند نمونه ذکر می‌کنم:

۴/۱: در مورد آزادی یک طلبه، به حکومت نامه نوشت: أطلقوا فلاناً والأ.... (بدون این که بگوید چه می‌کند و به «والا» اکتفا کرد)

۴/۲: در فترتی از فترات نجف، تقریباً اکثریت حوزه، غیر عرب بودند و از عرب‌ها، جز خاندان‌های علمی مثل بحر العلوم کسی طلبه نمی‌شد. در این زمان، شخصی از عشایر عرب به طلبه‌ای توهین کرد. طلبه به شیخ محمد حسین کاشف الغطاء شکایت برد. او شیخ العشیره را طلب کرد (شیخ العشیره، یعنی رئیس کل عشیره که هر عشیره بطن‌ها و رگه‌هایی داشتند). شیخ العشیره که وارد شد، کاشف الغطاء مدادی را که جلوی او بود، پرتاب کرد و به صورت او خورد. شیخ العشیره، آن را برداشت و بوسید و گفت: امر شیخ چیست؟ مرحوم کاشف الغطاء فرمود: «النجف بعلي و بعمامتي وليس بك ولا وجود لكم لولا علي (ع) ولولا عمامتي». سپس به او گفت که یکی از افراد عشیره‌ی تو، به طلبه‌ای توهین کرده است. اگر آن طلبه را راضی نکنید، فأفعل وأفعل... (بدون این که بگوید چه می‌کند و به «والا» اکتفا کرد)

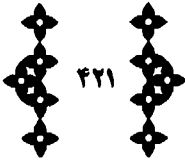
۴/۳: کاشف الغطاء در پاکستان بود. در موقع نماز، گوینده اقامه وقتی به نام حضرت علی (ع) رسید، اوصاف فراوان برای حضرت آورد: «مقتدانا، قائد الغر المحجلین، حجة الله على الارضین و...» کاشف الغطاء فریاد برآورد که چرا این تفصیلات را می‌آوری؟ موالات اقامه فوت شد و... اما این اعتراض کاشف الغطاء، چنین تفسیر شد که اوسنی و وهابی است و.... و کم و بیش موجب شد که ازدور او پراکنده شوند (با توجه به شرایط ولایتی پاکستان).

۴/۴: در مورد عید الزهرا علیها السلام (فرحه الزهرا) هم برخورد او معروف است. کارهایی در آن ایام انجام می‌شد که اصلاً اباء دارم در این جلسه یاد کنم.

در مجموع جرات و جسارت در درون و کیان کاشف الغطاء بود و مكتسب نبود.

۵. قرار شد در مورد نوار سخنرانی کاشف الغطاء در پاکستان و اسناد باقیمانده از سفر ایشان به پاکستان، پیگیری کنند البته فرمودند که وعده و قول نمی‌دهد که پیدا شود.

۶. برخی از دوستان اظهار داشتند که ما با فضلالی پاکستانی مرتبط هستیم، اگر فرمایشی دارید بفرمایید. ادبیات و نحوه بیان‌شان عوض، و علایمی از ناراحتی و ناراضی‌ای ایشان ظاهر شد و فرمودند: مگر قرار شده علم برای طایفه‌ای خاص باشد؟ چرا در ایران، راه مرسوم حوزه



برای ایرانی‌ها باز است اما برای دیگران و از جمله پاکستانی‌ها بسته است!؟ چرا برای آن‌ها خلاصه‌هایی درست شده است و مجبورند آن را بخوانند؟ چرا برای آنان آزادی درس وجود ندارد و نمی‌توانند همان شیوه مرسوم و متداول را ادامه دهند؟

ادبیات عرب - برای طلبه به خصوص پاکستانی - اهمیت اساسی دارد اما طلبه‌ها پس از چند سال، با آن روش درسی، متون را خوب نمی‌فهمند. علاوه بر این که مجبور می‌شوند که با گذشت چند سال که هنوز تسلط علمی نیافته‌اند به تبلیغ بروند و پس از بازگشت، مطالبی را که خوانده‌اند، فراموش شده است.

دیدار با آیه الله سید محمد سعید حکیم (دام ظلّه)

دیدار با ایشان قرار بود که دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۸ بعد از نماز مغرب و عشا برگزار شود. اما چون قبلاً در آن ساعت با جلسه دوشنبه شب‌های مؤسسه دکتر حسن عیسی حکیم قرار گذاشته شده بود، جلسه به روز سه شنبه ۸۸/۱۱/۱۹ ساعت ۱۱ موکول شد که وقتی رفتیم، معلوم شد ساعت ملاقات‌های عمومی آیه الله است. به هنگام دیدار، گزارشی اجمالی ارائه شد. ایشان بسیار آهسته و نجوا گونه سخن می‌گفتند و نکاتی بسیار کوتاه و گذرا از نقش کاشف الغطا و ارتباطات او با آیه الله سید کاظم یزدی ارائه کردند. در بین صحبت‌ها، باز جمعیت ملاقات کننده در صف وارد شدند و به دستبوسی و اخذ دعا و... و عملاً ادامه جلسه میسر نشد. فرزند ایشان سید ریاض الحکیم جلسه دوشنبه شب‌ها هم حضور داشت و در این جلسه هم بود، در قم زندگی می‌کند و مسئولیت دفتر ایشان در قم را عهده دار است. ایشان، پس از ملاقات، عذرخواهی کرد که چون وقت ملاقات به وقت عمومی تغییر یافته بود، این گونه شد و اگر همان شب می‌بود، امکان ادامه بحث و طولانی تر شدن سخنان وجود داشت. و چون ما روز بعد، عازم سامراء بودیم، عملاً امکان تجدید دیدار نیز میسر نشد.

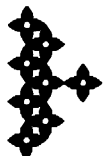
آیه الله سید محمد سعید حکیم، از مراجع پرتالیف نجف است که در حوزه‌های گوناگون و برای سنین مختلف تالیفات دارند. در موقع مراجعت، برخی از آثار ایشان را دریافت کردیم و از جمله آثاری در فقه اینترنت، فقه استنساخ و...

دیدارهای علمی

دیدار با آیه الله سید محمد مهدی خراسان

اشاره

ایشان امام جماعت مسجد شیخ انصاری‌اند و شب‌ها در آن مسجد تاریخی نماز می‌خوانند. فرزند سید حسن خراسان و مؤلف و محقق آثاری چون: ابن عباس و موسوعة ابن ادریس. دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۲ برای نماز مغرب و عشا به مسجد ایشان



رفتیم. مسجد شلوغ و پرجمعیتی بود و نمازگزاران طلبه زیادی شرکت کرده بودند. از مدتی قبل از نماز در محراب بود و پس از نماز جمع قابل توجهی در صف دیدار ایشان می‌رفتند برای استخاره یا سوالات شرعی. پس از نماز، با ایشان صحبت شد و قرار ملاقات را برای روز بعد (سه شنبه ساعت ۱۰:۳۰ گذاشتند) اما اظهار داشتند که شب، خانه‌ی فرزندشان سید صالح روضه دارند، ما هم رفتیم. وجه عزرا را روضه هفتگی یا دهه صفر تصور می‌کردیم. اما بعداً معلوم شد که براساس قول به شهادت حضرت رضا علیه السلام در ۱۷ صفر، روضه دارند. ظاهراً نجف، بیشتر به اعتبار این قول قائل هستند تا قول آخر صفر.

حضرت آقای خراسان، چهره‌ای دلنشین و محفلی گرم و بی تکلف داشت. فارسی را شیرین صحبت می‌کرد. اما عمده مطالب به زبان عربی بیان شد. فرزند ایشان سید صالح بسیار کم تر فارسی صحبت می‌کرد. با آن که حدود ۵۰ سال داشت، می‌گفت که دوران طلبگی با عده‌ای از طلاب ایران هم بحث بوده است. اما سالیان دوری از طلاب ایرانی تاثیر خود را گذاشته بود. ظاهراً کسانی که بالای ۶۰ سال در حوزه نجف دارند، تماماً فارسی را خوب بلدند و صحبت می‌کنند (به واسطه ارتباطات دیرین). کسانی که در حدود ۴۰-۵۰ سال دارند، کم و بیش فارسی بلدند ولی نسل حدود ۳۰ ساله کسانی هستند که نمی‌توانند فارسی صحبت کنند.

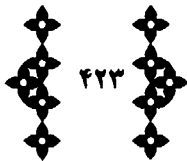
خلاصه‌ای از سخنان جناب آقای سید مهدی خراسان در آن شب و نیز در ملاقات مفصل تر روز سه شنبه ۸۸/۱۱/۱۳ که حدود ۲ ساعت به طول انجامید، به شرح ذیل است.

۱. در جلسه شب سه شنبه در مجلس عزای امام رضا علیه السلام (بنا به قول ۱۷ صفر): به نقد تعبیر «السلطان» در مورد امام رضا علیه السلام پرداخت و این که حضرت با تمامی روش‌ها تلاش می‌کرد حتی در شرایط ولایتعهدی، از حکومت فاصله بگیرد. او با آباء خود چه فرقی داشت. که عنوان «السلطان» داشته باشد.

۲. پس از ارائه موسوعه‌ی آثار شهید اول و طرح تحقیقات در این زمینه، اظهار داشت که در عرصه مسائل فقهی، کارهای فراوانی انجام شده است. اما الآن از زاویه‌ی عقاید و نقد عقاید شیعی، نیاز بیشتر آن است که در حدیث کار شود زیرا مخالفان، از زاویه حدیث وارد نقد شیعه شده‌اند و کم تر به کتاب‌های کلامی در این نقد‌ها ارجاع می‌شود. کارهایی که امثال احمد کاتب انجام داده‌اند.

۳. باید در مورد کتاب‌های حدیثی به خصوص کتب اربعه کاری بیشتری صورت بگیرد و تحقیق و استخراج آن، نه با روش‌های معمول بلکه با تمییز و تعریف احادیث صحیح از ضعیف و... انجام شود. همان کاری که اهل سنت درباره احادیث خود انجام داده‌اند مثل فتح الباری و...





۴. برخی روایات کافی مورد خدشه و مناقشاتی است. باید در مورد «کافی» کار جدی شود. کلاً ما در باب کتاب بخاری بیشتر از «کافی» مطالعه و تحقیق داریم.

۵. چگونه می‌توان به وحدت در عقاید شیعه رسید؟ در فقه می‌توان از اختلافات آراء گفت اما در باب عقاید چطور؟ این که اخباریین از ما نیستند، پاسخ موجهی نیست.

۶. مکتبه کاشف الغطا وحسینیه شوشتریه، منبع اصلی من در تالیف کتاب ابن عباس بود. من مرحوم علامه امینی را مکرراً در آن جا می‌دیدم که از کتابخانه کاشف الغطا استفاده می‌کرد و خانه ایشان نزدیک کتابخانه کاشف الغطا بود و شاید شرایط آن کتابخانه انگیزه تأسیس کتابخانه علامه امینی را پدید آورد. چون آن دو کتابخانه تنها کتابخانه‌های گسترده مهم نجف در آن زمان بودند.

انصافاً کتابخانه کاشف الغطا پیش‌تاز بود و قبل از آن چنین کاری نشده بود. اما بعد از وفات ایشان سرقت‌هایی از کتابخانه شد. تا این که تلاش‌های شیخ شریف باعث شد که کتابخانه برجای بماند. برخی از کتاب‌های آن کتابخانه را هم خودم خریدم و به آن کتابخانه برگرداندم.

از جمله کتاب‌های مسروقه آن کتابخانه، کتابی بود به نام براهین العقول که مؤلف آن دایی فرزندان شیخ جعفر کاشف الغطا است. در آخر آن نوشته است که این قسمت را در وقتی نوشتم که اطفال از گرسنگی ضجه می‌زدند - در زمان طاعون - این را برای عبرت بارها گفته‌ام که ایشان این کتاب اصولی را - که احتیاج به تأمل و تعمق دارد - در چنین وضعی می‌نوشته است.

دیدار با حجة الاسلام والمسلمین سید محمد بحر العلوم

اشاره

ایشان، از چهره‌های علمی - سیاسی نجف و از خاندان سید بحر العلوم اند. در ابتدای سقوط صدام، حضور سیاسی فعال تری داشت. هم اکنون مؤسسه‌ای در نجف دارد با عنوان «معهد العلمین للدراسات العلیا» که دانشگاه غیرانتفاعی است و در مقطع فوق لیسانس دانشجویی پذیرد. (با ۶ میلیون دینار شهریه برای ۲ سال) و تاکنون ۲ رشته دراسات سیاسیة، و دراسات دولیة را تأسیس کرده است. این دانشگاه از سال ۲۰۰۷ م تأسیس و تحت اشراف شورای علمی با حضور آقایان: حجة الاسلام والمسلمین سید محمد بحر العلوم، دکتر حسن چلبی (رئیس دانشگاه اسلامی بیروت) دکتر وجیه کوثرانی (عضو هیأت علمی دانشگاه بیروت) دکتر سعود مولی (از اساتید دانشگاه ژرونیته بیروت) دکتر سامی بشیر، اداره می‌شود.

این دانشگاه به نیت ایجاد پل ارتباطی بین تراث علمی - که در حوزه‌های دینی است - با داده‌های علوم جدید به ویژه در رشته‌های علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد تأسیس شده است.



جلسه شنبه ۸۸/۱۲/۱۷ ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر در منزل ایشان تشکیل شد که روبروی خانه‌ی آیه الله فیاض بود و برخی از فرزندان ایشان حضور داشتند. که یکی وزیر سابق نفت بود و ایشان توجه خاصی به وی داشت و او را علامه نفت خطاب می‌کرد و دیگری که در آستانه‌ی سفارت عراق در کویت و سومی که به او می‌گفت «ابوجعفر» سابقاً در قم بود و اکنون امام مسجد شیخ طوسی است.

مکان جلسه، برخلاف دیگر محافل و مجالس در بیوت علما بر روی صندلی بود و نه روی زمین، و نشانه‌ای از تفاوت سبک زندگی! در ابتدای جلسه، طبق معمول حجة الاسلام مبلغی گزارشی از فعالیت‌ها و فلسفه دیدار را بیان کردند و سپس ایشان مطالبی را بیان داشتند:

۱. مرحوم کاشف الغطا، دو وجه متمایز و ممتاز از مراجع هم عصر خود را داشت:

نخست آن که ایشان در کنگره‌های جهانی شرکت داشت. در کنگره قدس، حضور داشت. در کنگره قدس، ایشان این دیدگاه را مطرح کرده بود که برای مدتی، حج تعطیل شود و مسلمانان برای آزادی قدس به طرف قدس بروند. این رای، در آن زمان جدی گرفته نشد در حالی که می‌توانست تاثیر جدی بر مسائل قدس داشته باشد. ویژگی دوم، جرأت و جسارت ایشان بود. من الان در دهه ۸۰ زندگی ام. حقیقتاً ایشان را با جرأت ترین مرجع در طول زندگی ام می‌دانم. رأیته متکلماً جریئاً یقول الواقع ولا یهیب شیئاً یتکلم فی قضایا عامة مع انه صاحب رسالة عملیة. جرأت ایشان، در حضور و برخورد ایشان با عید الزهرا علیها السلام مشهور است. خود من به امر آیه الله حکیم، تحقیق و تتبعی راجع به نهم ربیع الاول داشتم و برای من روشن شد که خلیفه دوم، در آخر ذی الحجه از دنیا رفته است و نهم ربیع، مقتل عمر بن سعد است. پس از سخنرانی کاشف الغطا در صحن علوی که تا قبل از آن محافل وسیع برگزار می‌شد و...، دیگر از آن مسائل سخنی نیست.

۲. پسرایشان مطرح کرد که درباره نقش کاشف الغطا سه محور مطرح است: ۱- نقش وطنی - عراقی او در مبارزه با اشغالگران، تأسیس دولت عراق و... ۲- نقش عربی او: در مسائل مربوط به فلسطین و مصر و... ۳- نقش اسلامی او: در مسائل پاکستان، کشمیر و...

۳. گفته شد که دو پایان نامه در «معهد العلمین» درباره کاشف الغطا دارند که قرار شد دریافت شود.

۴. قرار شد که در ارتباط با شخصیت علامه بحر العلوم (سید محمد مهدی) نگاشته خویش را- که در مقدمه مصابیح الاحکام و حدود ۱۰۰ صفحه است- تکمیل کنند (برای موسسه بزرگان شیعه مؤتسسه‌ی آقای مختاری)

۵. در ارتباط با مسائل عراق، اظهار داشت که تشیع ما در عراق، اکثریت نسبی است و لذا باید مراعات‌هایی صورت گیرد.





همچنین اظهار داشت که پس از تخریب حرم عسکریین، خدمت آیه الله سیستانی رفته و من هم تند شده بودم که باید کاری کرد و ایشان بعد از تأملی فرمودند: که آیا با آن کاری که باید انجام شود، همان ناصبی که آن کار را کرده است، مجازات می شود یا یک سنی بیگناه آسیب می بیند؟!۱

۶. با توجه به پژوهشکده اندیشه سیاسی و نیز دانشگاه باقر العلوم در رشته علوم سیاسی، قرار شد که ارتباطات فعال تری میان دفتر تبلیغات اسلامی و المعهد برقرار شود.

دیدار با حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد سند

اشاره

از ابتدا قرار بود که با برخی از اساتید فعلی نجف که در قم بوده اند و الآن به نجف آمده اند (پس از سقوط صدام) دیدارهایی باشد تا درباره وجوه ارتباطی حوزه قم و نجف و تمایزات و ممیزات گفت و گوهایی صورت گیرد. هم چنین از کنگره کاشف الغطا مطلع شوندم. در این میان ملاقات با حجج الاسلام والمسلمین آقایان آصفی، جواهری و ایروانی به دلیل زیارت اربعین میسر نشد و تنها ملاقات با حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد سند (دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۳ ساعت ۸:۳۰ بعد از ظهر) میسر شد. ایشان که قریب به یکسال است در نجف اند، دروس متعدد اصول، فقه، کافی و تفسیر دارند. گفته می شود در برخی دروس ایشان، ۲۵۰ نفر شرکت می کنند و در شان، مورد توجه قرار گرفته است. منزل ایشان، در حوالی منزل آیه الله فیاض بود و به هنگام دیدار، چند نفر از شاگردان قمی وی که به زیارت آمده بودند و یک نفر از طلاب عراقی در اتاق بود. به سبب حضور تابستانی اش در قم، هنوز با قم ارتباط دارد. گرچه خانواده اش به نجف آمده اند، اما پسرش هنوز در قم است.

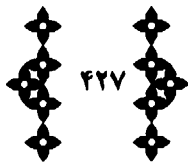
دوستان در جلسه، بحث را به موضوعات علمی بردند، هر چند نکاتی در اهداف مورد نظر نیز به دست آمد. قرار شد که نوادر درس های تفسیری و حدیثی ایشان در نجف، آماده شود تا بعد از آن استفاده شود که آن را آماده کردند و بعداً دریافت شد.

خلاصه ای از مطالب جلسه، چنین است:

۱. روش تقلیل نسبت جمعیت شیعه در کشورهای خلیج فارس، روش قدیمی انگلیس است که به آرامی و در طول زمان طولانی این کار را می کنند. همانطور که در فلسطین انجام شد. در کویت تا ۷۰-۸۰ سال قبل، حدود ۸۰ درصد جمعیت آن شیعه بودند اما الآن، حدود یک سوم جمعیت شیعه است زیرا به مرور از بادیه نشینان عربستان و... آورده اند و اقامه داده اند. در بحرین و... این روش اعمال می شود.

۲. در دروس تفسیر، روش های مختلف تفسیر را گفته ام و در هر روش، فواید و نقایص آن را بیان





کرده ام. به نظر من، براساس الهام از حدیث هشتم تفسیر عیاشی، تفسیر سیستمی از قرآن، بر اساس محکومات باید صورت بگیرد به صورت هرمی، این سیستم شکل می‌گیرد و ۴۵ جلسه تاکنون راجع به همین روش های تفسیری و نقد و بررسی آنها داشته ام.

۳. در حدیث، روش شناسی محدثان مهم است. کلینی در کافی، روش شناسی دارد. با باب بندی، تقطیع و... به مهندسی داده های حدیثی می‌پردازد. کسی که وسائل را برمی دارد و به آن مراجعه می‌کند، خواه ناخواه در متدلوژی و نقشه راه صاحب وسائل قرار می‌گیرد.

۴. برخی از روایات هم خود را روشن می‌کنند و هم روایات دیگر را. در بحث روایات معارفی، بویژه این گونه بررسی رستراست. این گونه روایات، مثل آن اند که یک مسأله ریاضی، پیچیده و مشکل است اما وقتی فرمول آن به دست می‌آید، ساده و روشن و بدیهی به نظر می‌رسد. این گونه روایات، نقش چنان فرمول هایی را ایفا می‌کنند.

۵. در ارتباط با مزیت های حوزه نجف، می‌توان نکاتی را بیان کرد. از جمله این که درب حوزه نجف - به هردلیل - به کشورهای عربی - اسلامی باز است. اما قم چنین حالتی را ندارد. ارتباطاتی که در این یک ساله برای من در نجف اتفاق افتاده است، در سالیان اقامت قم نبوده است. نکته دیگر در حوزه نجف آن است که برخی از کارها که از نجف عرضه می‌شود، تأثیر گذاری بیشتری و آفات کمتری از قم دارد.

۶. در تعامل حوزه نجف و قم و تقویت ارتباط شیعه ایران و عراق، پیشنهاد های مختلفی دارم از جمله:

- * تأسیس یک سالن ارائه کنفرانس های علمی
- * تأسیس یک سالن ارائه کتاب های علمی منتشره در قم
- * تسهیل اخذ ویزای سه ماهه و شش ماهه برای فضایی حوزه قم و نجف به منظور ارتباطات بیشتر دو حوزه
- * احداث سویت های اقامت برای منظور فوق و سفرهای مطالعاتی فضایی حوزه
- * تسهیل رفت و آمد بین ایران و عراق برای همه مردم ایران و نه فقط فضلا به طرق گوناگون.

مراکز علمی و فرهنگی نجف

دیدار از کلیه الفقه

روز سه شنبه ۸۸/۱۲/۲۳ از کلیه الفقه (وابسته به جامعه کوفه) بازدید کردیم. به سبب سفر رئیس جامعه الکوفه و...، بازدید از کل «جامعه الکوفه» میسر نشد و به دیدار از «کلیه الفقه» بسنده شد. به همراه دکتر حسینی (از اساتید جامعه الکوفه که مدت ها در ایران و قم زیسته بود و هنوز



هم ارتباطات فعالی با ایران و قم داشت) به اتاق رئیس کلیه الفقه رفتیم، در جلسه دکتر صباح عباس عنوز (رئیس کلیه الفقه و شاعر و دکترای زبان عرب) و دکتر علی خضیر حجی (معاون اداری کلیه الفقه و دکترای قرآن و تربیت اسلامی) حضور داشتند.

پس از اظهارات اولیه گروه ما از اهداف سفر، آنان نکات زیر را درباره تاریخچه و شرایط فعلی کلیه الفقه مطرح کردند. اهم نکات، عبارت بود از:

۱. کلیه الفقه، یکی از فعالیت های «جمعیه منتدی النشر» بود. این جمعیت، در سه حوزه وعظ و ارشاد، نشر و تالیف و آموزش به فعالیت پرداخت. در حوزه آموزش، ۲ بخش عمومی و تخصصی را دنبال کرد. در بخش آموزش تخصصی، کلیه الفقه را در سال ۱۹۵۷ م تأسیس کرد که در سال ۱۹۵۸ م اجازه تأسیس رسمی یافت. اولین دوره آن با ۳۴ نفر در ۱۹۶۲ فارغ التحصیل شدند (در سطح لیسانس).

۲. در میان فارغ التحصیلان کلیه الفقه، نام بسیاری از شخصیت های مشهور را می توان دید: کسانی چونان شیخ احمد وائلی، سید محمد بحر العلوم، شیخ مهدی آصفی، شیخ عبدالهادی فضلی.

۳. کلیه الفقه از لحاظ ساختار اداری، زیر نظر «جامعه الکوفة» است. اما در طول تأسیس، گاه زیر نظر جامعه بغداد، و گاه جامعه منتصریه بوده است. قابل ذکر است که کلیه الفقه، پس از انتفاضه شعبانیه، از سال ۱۹۹۱ تعطیل شد و اساتید آن به دانشکده های دیگر منتقل شدند، پس از سقوط صدام و از سال ۲۰۰۴ مجدداً آغاز به کار کرده است.

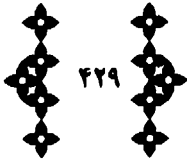
۴. رؤسای کلیه الفقه، به ترتیب عبارت بودند، از:

شیخ محمد رضا مظفر (۱۹۵۸-۱۹۶۴)، سید محمد تقی حکیم (۱۹۶۴-۱۹۷۰)، شیخ محمد تقی ایروانی (۱۹۷۰-۱۹۷۱)، سید هادی فیاض (۱۹۷۱-۱۹۷۷)، سید عدنان بکاء (۱۹۷۷-۱۹۸۹)، دکتر عبدالأمیر أعسم (۱۹۸۹-۱۹۹۱)، دکتر حسن عیسی حکیم (۲۰۰۴-۲۰۰۵) دکتر صباح عباس عنوز (۲۰۰۵-).

تا ۱۹۸۹، رؤسای آن از شخصیت های علمی حوزوی بودند و از آن تاریخ به بعد، رؤسای آن تحصیلکردگان دانشگاهی و غیر معمم اند.

در مجموع، سیر «کلیه الفقه» به سوی چهره ای دانشگاهی - با فاصله از حوزه - هم در میان رؤسای آن و هم در میان اساتید و دانشجویان آن نمایان بود. دوره های اول، بسیاری از اساتید و دانشجویان، معمم و روحانی بودند، اما به مرور تعداد آنها کاسته می شود و اکنون چهره ای کاملاً دانشگاهی پیدا کرده است.

۵. کلیه الفقه، برخلاف عنوان خود، فقط در رشته فقه تلاش نمی کند، بلکه دارای چند رشته علمی است: ۱- فقه و اصول ۲- قرآن و حدیث ۳- زبان عربی ۴- فکرو عقیده اسلامی



۳. لوح فشرده این پایان نامه ها در کتابخانه حرم مطهر علوی است و بدون هیچ وجهی به هر کسی که بخواهد، می دهند و فهرست آن در سایت حرم مطهر علوی موجود است. (کتاب شیعه)

۶. از سال ۲۰۰۴ م کلیه الفقه، به تأسیس و گسترش تحصیلات تکمیلی پرداخته است و ریاست این مقطع، در ابتدا بر عهده دکتر محمد حسین علی صغیر و اکنون بر عهده دکتر صباح عباس عنوز است (رئیس فعلی کلیه الفقه)^۲

بر اساس گزارش داده شده، ۴۷۰ رساله فوق لیسانس و دکتری دارند. در میان کتاب های اهدایی، کتاب چکیده پایان نامه های کلیه الفقه (در فاصله ۲۰۰۶ - ۲۰۰۸) حاوی چکیده ۵۴ پایان نامه بود (به عنوان جلد اول). قرار شد که لوح فشرده پایان نامه ها در مبادلات ارائه شود. عناوین خوبی در میان پایان نامه ها دیده می شد.

۷. کلیه الفقه، مؤتمرات گوناگون برگزار کرده است. از جمله درباره: سید محمد تقی حکیم، آیه الله خویی، شهید سید محمد باقر صدر و... که مجموعاً حدود ۶۰ مؤتمروندوه شده است. و اکنون در تدارک مؤتمر سید عبدالاعلی سبزواری بودند که گفته شد در ایران هم تدارکی برای برگزاری همایش علمی و چاپ موسوعه آثار ایشان هست.

۸. کلیه الفقه، دارای مجله علمی فقهی است.

۹. قرار شد که تفاهم نامه ای میان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با کلیه الفقه تنظیم و مبادله شود.

دیدار از مؤسسه کاشف الغطا

این مؤسسه سال ۲۰۰۶ (۱۴۲۶ ق) تأسیس شده است و مؤسس آن حجة الاسلام دکتر شیخ عباس کاشف الغطا است. هر چند ریشه های تاریخی حرکت این مؤسسه، بنا به اظهار مؤسس به سال های ۱۹۹۳ (۱۴۱۳ ق) برمی گردد.

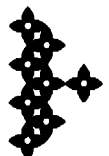
هنگام دیدار از مؤسسه - که غرب حرم علوی است - صبح روز دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۲، مؤسس آن در مصر (برای بازدید از نمایشگاه کتاب و...) بود، اما پسر جوانش شیخ احمد، پذیرایی مناسب داشت و توضیحات لازم را بیان کرد. اهم توضیحات عبارت اند از:

۱. بخش مهمی از فعالیت مؤسسه، تصویربرداری از کتب مخطوط کتابخانه های عراق - به ویژه نجف - است. این مهم - که از سال های حکومت صدام آغاز شده و ادامه یافته است - از تلاش های ارجمند مؤسسه برای حفظ مخطوطات شیعی عراق است. مؤسسه پس از تصویربرداری کتب خطی آن ها را به لوح فشرده تبدیل می کند و رایگان در اختیار می گذارد. در کتابی که تازه چاپ کرده بودند، بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی که تاکنون تبدیل به لوح فشرده شده است، فهرست شده بود.

۲. تحقیق و نشر کتاب، از فعالیت های دیگر مؤسسه است که تا کنون آثار زیادی چاپ کرده اند.

۳. کتابخانه مؤسسه، از کتابخانه های خوب و دارای آثار ارزشمند بود.

۴. بخش اسناد و آرشیو مؤسسه، از اسناد ارزشمندی برخوردار بود. اصل و یا تصویر برخی از اسناد



مهم را در مؤتسه می‌توان دید.

۵. مؤتسه، متولی مدرسه مهدیه است که مجاور مؤتسه کاشف الغطاءست.

مدرسه‌ای نوین‌یاد و مناسب که با شیوه‌های جدید، مدیریت می‌شود.

۶. مؤتسه، تاکنون چند همایش برگزار کرده است از جمله، ندوه‌ای علمی با عنوان پل‌های وحدت میان حوزه و دانشگاه و...

۷. سایت اینترنتی مؤتسه نیز سایت فعال و روزآمدی است که محصولات مؤتسه را بی‌منت و مزد، در اختیار می‌گذارد.

در مجموع، در مؤتسه یاد شده، نوعی سماحت و گشاده نظری در اختیار نهادن اسناد و مدارک و تحقیقات کامل‌آید می‌شود.

۸. از بخش فنی مؤتسه نیز بازدید شد؛ مراحل تصویربرداری از نسخه‌های مخطوط و تبدیل میکروفیلم به سی.دی با قابلیت‌های گوناگون و....

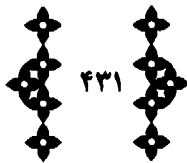
دیدار از الجامعة الاسلامیة

روز دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۹ در خدمت آقایان جلالی و مختاری به الجامعة رفتیم و در اتاق معاونت دانشگاه آقای دکتر عمار عبدالامیر السلامی گفت و گوی مختصری شد. دانشگاه فصلنامه‌ای را منتشر می‌کند که تاکنون چهار سال ادامه داشته و آخرین شماره آن (شماره ۱۱) را اهدا کردند. همچنین جلسات و کنگره‌های علمی برگزار کرده‌اند که همایش اول در مورد مرحوم کاشف الغطاء و همایش دوم در مورد آیه الله سید هبه الدین شهرستانی بوده و همایش سوم درباره شیخ احمد وائلی است که وزارت آموزش عالی و تحقیقات عراق، دانشگاه کوفه و الجامعة الاسلامیة در جمادی الاولی ۱۴۳۱ برگزار می‌کنند. دکتر احمد وائلی، علاوه بر شخصیت علمی اش، در خطابه و ادب معاصر عراق نقش چشمگیری داشته و در سال ۱۴۲۴ (۲۰۰۳ م) در بغداد وفات یافته و در جوار مقبره کمیل بن زیاد نخعی دفن شده است. به واسطه فرصت محدود - و قرارهای ملاقات بعدی - امکان بازدید تفصیلی از آن فراهم نشد و قرار شد که به همراه دوستان دیگر در فرصتی مناسب بازدید مجدد کنیم که این توفیق حاصل نشد.

معاونت دانشگاه آقای دکتر عمار عبدالامیر السلامی - که قرابت سببی با حجة الاسلام والمسلمین جلالی دارد - پایان نامه اش درباره تحلیل و ارزیابی شعر مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بود.

بر اساس اطلاعات موجود در معرفی «الجامعة الاسلامیة» رشته‌های زیر در این دانشگاه وجود دارد: رشته مطالعات قرآنی و لغوی، رشته حقوق، رشته فکرو عقاید اسلامی، رشته علوم سیاسی و روابط بین‌المللی، رشته ریاضیات، رشته تبلیغات و روزنامه نگاری.





این دانشگاه در داخل نجف اشرف و در مرکز شهر و نزدیک به آستانه علوی قرار دارد.

آقای دکتر هادی عبدالنبی التمیمی - که در جلسه حاضر بود - فارسی را به خوبی صحبت می کرد و بعد معلوم شد که مادر ایشان مشهدی است و بستگان ایشان در خیابان آخوند خراسانی اند.

حضور در محفل دوشنبه شب ها در مؤسسه التراث النجفی

ظاهراً جلسات هفتگی فرهنگی، ادبی، علمی و... در حوزه نجف و شاید کلاً عراق، مسبوق به سابقه تاریخی است. یکی از این جلسات، جلسه ای است که در مؤسسه التراث النجفی در دوشنبه شب ها برگزار می شود و پشوتانه فکری - معنوی آن، آقای دکتر حسن عیسی حکیم است که مدتی رئیس کلیه الفقه جامعه الکوفه نیز بوده است. دکتر حسن عیسی حکیم در کنگره های پیشین علامه بلاغی، شهیدین و... نیز ارتباط فعال با دبیرخانه کنگره های یاد شده داشته و مدعو کنگره های یاد شده به ایران بوده است. دوستان قم، با توجه به مراودات پیشین و زمینه های ارتباطی این مجموعه با اساتید دانشگاهی و فرهیختگان نجف و عراق، در نظر داشتند که حتماً با ایشان و دوستان همراه ایشان در محفل دوشنبه ها ملاقات داشته باشند. پس از قرار ملاقات و دیدار، قرار شد جلسه آن دوشنبه، درباره کاشف الغطاء باشد.

دیدار دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۹ ساعت ۷-۱۰ شب برگزار شد. در دو اتاق که حدود ۳۰ نفر در آن حضور داشتند. رئیس جلسه درباره کاشف الغطاء سخن گفت. سپس جناب آقای مبلغی به عربی، در مورد جایگاه کاشف الغطاء و نقش اصلاحی ایشان سخنان مبسوطی بیان کردند و در ادامه به کنگره کاشف الغطاء، اهداف آن و درخواست همکاری از جمع حاضر پرداختند.

در ادامه جلسه، برخی از حاضران جلسه، در مورد جایگاه و نقش های ایجابی کاشف الغطاء سخن گفتند. در این جلسه در مورد نقش کاشف الغطاء در تعلیم و تربیت طلاب گفت و گو شد.

در مجموع این دیدار برای ایجاد توجه به کنگره کاشف الغطاء و درخواست های همکاری برای حضور فعال تر، آثار مثبتی داشت.

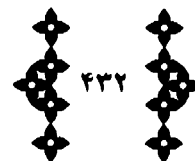
محفل دوشنبه شب ها، (که در قالب مؤسسه التراث النجفی فعالیت می کند)، نشریه ای با نام الاصله منتشر می کند که آخرین شماره های آن شماره ۲۰-۱۸ با عنوان «فی فکر الإمام علی» انتشار یافته است. شماره ای که ویژه نامه آخوند خراسانی بود، نیز اهدا کردند. نشریه، از نظر صفحه آرایی، شکل و قالب، مشابه مکتب اسلام فعلی منتشر می شود.

دیداری از مدارس نجف

اشاره

در فرصت محدود، در بعد از ظهر دوشنبه ۸۸/۱۱/۱۹ چند مدرسه قدیمی و تاریخی





نجف را دیدیم. راهنمای ما ابوجعفر حلی بود که با ایران وقم ارتباط دارد. اکنون از همکاران مؤسسه کتاب شناسی آقای مختاری در نجف برای فهرست نویسی مخطوطات کتابخانه های عراق است و فهرست مخطوطات کتابخانه مرحوم علامه سید محمد صادق بحر العلوم را تدوین کرده است.^۲

۲. این فهرست با نام فهرس مکتبه العلامة السید محمد صادق بحر العلوم، وبه عنوان نخستین جلد از «فهارس مکتبات الشيعة» به کوشش و با اشراف مؤسسه کتابشناسی شیعه در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. (کتاب شیعه)

مدرسه قزوینی: این مدرسه اکنون نزدیک ترین مدرسه به حرم علوی و در جوار صحن است در محله تمت (ظاهراً وجه تسمیه اش آنست که بعد از اتمام بنای صحن علوی در ایام صفوی، این محله به عنوان «منطقه التمة» نامگذاری شده. یعنی محله ای پس از پایان صحن علوی).

این مدرسه در ۱۳۲۴ ق (۱۹۰۹ م) بنا شده است. دو طبقه است و ۳۲ اتاق دارد (اتاق ها تک نفره است). مدرسه از امکاناتی چون کولر، یخچال و... برخوردار است. در ابتدای ورودی مدرسه، با امضای متولی مدارس شیخ هادی آل راضی، مقررات اسکان در مدرسه روی تابلویی نصب شده بود. در ضمن مواد آن، آمده بود که طلاب در حجره ها غذا نپزند، از وسایل صوتی استفاده نکنند، هیچ عکسی داخل حجره ها نزنند. مورد اخیر، احتمالاً برای دفع ماده نزاع های سیاسی در مدارس طلبگی نجف است.

مدرسه الخرسان: این مدرسه از مدارس جدید البنا است که ۲۲ اتاق دارد و در سوق الحویش و در جوار مسجد شیخ انصاری است و حدود ۳۰ طلبه دارد.

مدرسه البخارایی: این مدرسه هم در سوق الحویش، در ادامه مسجد شیخ انصاری است. درب مدرسه بسته بود و امکان بازدید میسر نشد.

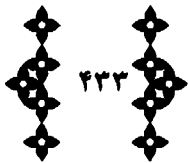
مدرسه کبرای آخوند: در سه طبقه، مدرسه آبرومندی بود. قبلاً از آن بازدید کرده بودیم. در همان سوق الحویش و در ادامه مسجد شیخ انصاری است.

مدرسه کبرای سید کاظم یزدی: این مدرسه، در شارع الرسول، در کوچه ای (سمت راست از حرم) قرار دارد. مدرسه در حال تعمیر بود و در سال ۱۳۲۷ ق ساخته شده است. جنب آن منزل سید کاظم یزدی بوده است و در همان کوچه منزل شهید شیخ مرتضی بروجردی قرار داشت. چون مدرسه در حال تعمیر بود، امکان بازدید از آن میسر نشد و اصرار هم فایده ای نکرد.

مدرسه شریانی: این مدرسه در ۱۳۲۰ ق بنا شده است. در همان شارع الرسول اما در کوچه سمت چپ پس از کوچه آیه الله سیستانی. ۱۰ حجره داشت با ۲۰ طلبه. مدرسه احتیاج به تعمیر و مرمت داشت.

مدرسه شُبریّه: این مدرسه، در حال بازسازی اساسی است و ۴۱ اتاق دارد و تقریباً روبه اتمام





بود. دردو طبقه، مدرس‌های بزرگ داشت و کتابخانه بزرگ در فوق مدرس آن دیده می‌شد. سرداب‌های قدیمی مدرسه برجای مانده بود. دو طبقه سرداب زیرزمین بود که بسیار پایین می‌رفت و شگفت‌انگیز بود. از همان سرداب‌های معروف و قدیمی نجف امدرسه شُبریه، در شارع الرسول، پشت منزل آیه الله سیستانی واقع شده است.

مدرسه آخوند (مدرسه صغرا): این مدرسه در شارع الرسول، پشت کوچه آیه الله سیستانی قرار داشت. مدرسه صغرای یزدی: در شارع الصادق علیه السلام (از سمت حرم دست راست واقع شده است. مدرسه خراب شده و فقط طاق نمای ورودی آن در اول کوچه هنوز برجای بود و یک لنگه درب که در طبقه دوم و روبه خیابان آویزان بود!

مدرسه بروجردی: این مدرسه نیز در شارع الصادق علیه السلام (از سمت حرم دست چپ اولین کوچه) مدرسه‌ای زیبا و بزرگ بوده است. سه طبقه است و یک طبقه زیرزمین برای شست و شو و... بخشی از مدرسه، در زمان صدام داخل خیابان قرار گرفته است.

مدرسه قوام: نزدیک به حرم مطهر است و در جنب مدرسه مهدیه و پشت مسجد شیخ طوسی و بازسازی شده است.

مدرسه مهدیه: از مدارس آل کاشف الغطا است و توسط دکتر شیخ عباس کاشف الغطا مدیریت می‌شود. مدرسه نوساز و چند طبقه است و کلاس‌های درس در آن برگزار می‌شود و برخی از قوانین و ملاحظات اصلاحی در آن دیده می‌شود (صندلی در کلاس‌های درس و...)

مدرسه کاشف الغطا: این مدرسه در جوار مکتبه علامه محمد حسین کاشف الغطا است و حالت مخروبه دارد. تقریباً کسی در آن اسکان ندارد. تنها یک دو حجره آن مفروش بود که احتمالاً برای حضور چند ساعتی است. گفته شد که مرحوم شهید آیه الله سید محمد باقر صدر در یکی از حجرات این مدرسه، سکونت داشته است.

زیارت مزارات و مقامات نجف

۱. در داخل صحن علوی، ده‌ها شخصیت علمی مدفون‌اند. در ایوان طلال مقدس اردبیلی و سید ابن طاووس و علامه حلی و مرحوم محقق اصفهانی و سید مصطفی خمینی و دیگران.

در صحن و حجرات صحن، جمع کثیری از اعلام دفن‌اند از جمله: شیخ انصاری، آخوند خراسانی، نائینی، آقا ضیاء عراقی، محدث نوری، شیخ عباس قمی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، بلاغی، سید کاظم یزدی، آیه الله خویی و...



جالب توجه است که عکس های بزرگان و علما از حجرات و صحن ها به مرور کم ترمی شود. در سفرهای قبلی، از پشت شیشه حجرات، عکس های شیخ انصاری، آخوند خراسانی و... دیده می شد. اما الان آن عکس ها را برداشته اند و تنها عکسی که باقی مانده است و مردم می توانند ببینند، عکس مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی است.

۲. در پشت مدرسه قزوینی ها - در فاصله ای نزدیک به حرم و ابتدای محله حویش - مقبره آیه الله سید حسین موسوی حمای، از اساتید شیخ محمد جواد مغنیه، است و تعبیری را مرحوم مغنیه از ایشان در «تجارب» خود دارند که او «افقراستید» بود و من «افقر طلب»!

۳. مقبره صاحب جواهر، شیخ جعفر کاشف الغطاء و فرزندانش و برخی دیگر در جنوب غربی حرم مطهر (پشت مسجد شیخ طوسی) قرار دارد.

۴. قبر مرحوم آیه الله سید حسین کوه کمری تقریباً دور حرم علوی است. ترک ها، پس از مرحوم شیخ انصاری به ایشان مراجعه کرده بودند.

۵. مقبره مرحوم شیخ طوسی و علامه بحر العلوم در مسجد شیخ طوسی و در شمال غربی حرم مطهر معروف و مشهور است.

۶. قبر مرحوم آیه الله سید علی قاضی دروادی السلام مورد زیارت و مراجعه فراوان است و اخیراً رونق بیشتری نیز یافته است.

۷. قبر مرحوم آقابزرگ تهرانی در کنار کتابخانه ایشان در همان محله ای است که آیه الله فیاض زندگی می کنند (در ادامه شارع الرسول پشت شارع الحسین)

۸. قبر مرحوم آیه الله علامه امینی در جوار کتابخانه ایشان قرار دارد.

۹. قبر آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری در کنار مسجد و مدرسه ایشان قرار دارد.

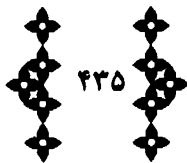
۱۰. قبر مرحوم طریحی صاحب مجمع البحرين در محله عماره است.

۱۱. قبر آیه الله سید ابراهیم اصطهباناتی در «حسینیة الشیرازی» در اواخر شارع الرسول بود. قبر در زیر زمین قرار داشت که زیارت شد. هم زمان در مدرسه، درس داده می شد که ظاهراً مدرسه و درس بیشتر در اختیار پاکستانی ها است.

۱۲. مقبره ثوار العشرین؛ پشت کوچه آیه الله سیستانی و پس از مدرسه شبریه، مقبره برخی از بزرگان عشایر فعال در انقلاب ۱۹۲۰ م عراق علیه اشغالگران است.

۱۳. مقبره آیه الله حکیم و برخی از خاندان ایشان، در جوار مکتبه ایشان قرار دارد.

۱۴. مرقد و مسجد سید هاشم الحظاب الموسوی م ۱۱۶۰ هم طبقه شیخ خضر (پدر شیخ جعفر کاشف الغطاء) و از علما و عرفای عصر خود بوده است. این مرقد و مسجد، در سوق الحویش قرار دارد.



۱۵. قبرآیه الله سید علی بهشتی در شارع الحسینین قرار دارد.

توفیق زیارت این مقابر نصیب شد. البته مدفونین در صحن علوی و اطراف فراوانند که مرحوم کاظم فتلاوی در کتابی آنان را معرفی کرده است.

کتاب، منشورات و کتابخانه‌ها در نجف

۱. بازار اصلی فروش کتاب در نجف، در «سوق الحویث» است که تعداد کتابفروشی‌های آن به ده‌ها می‌رسد. تا چندی قبل، مغازه‌های آن عمدتاً بقالی و... بوده‌اند، اما تبدیل و رشد سریع کتابفروشی، نشاندهنده آن است که بازار کتاب روند روبه توسعه‌ای در نجف دارد.

۲. با برخی از کتابفروشان که صحبت شد، عمدتاً از گرانی قیمت کتاب‌های ایرانی گلایه مند بودند و این باعث می‌شود که به کتاب‌های لبنانی، رغبت بیشتری پیدا کنند و از ایران کمتر کتاب بیاورند.

می‌گویند که معمولاً کتاب‌های لبنانی در چاپ‌های دوم و سوم و... ارزان تر از چاپ اول است اما کتاب‌های ایرانی، چاپ‌های بعدی گران تر از چاپ اول است و....

۳. ترجمه کتابهای مؤلفان ایرانی در بیروت فراوان است که از آن جمله آثار فلسفی و عرفانی و اخلاقی ترجمه شده به وفور دیده می‌شود.

۴. از کتابخانه‌های عمده نجف بازدید تفصیلی میسر نشد. کتابخانه علامه امینی بازدید مختصری شد و سی‌دی فهرست کتابخانه دریافت شد. کتابخانه مرحوم علامه محمد حسین کاشف الغطا به پشتیبانی و اهتمام آیه الله سیستانی بازسازی شده است. مخطوطات آن در طبقات پایین و کتاب‌های چاپی در طبقات بالا بود. در حواشی پاره‌ای از کتاب‌های چاپی، حواشی مرحوم کاشف الغطا وجود داشت که برای موسوعه کاشف الغطا اهمیت دارد. به عنوان نمونه ایشان بر کتاب علی و بنوه از طه حسین، حواشی در هاشم کتاب دارند. از جمله این که قطعاً یا به ظن نزدیک به یقین ابن سبا وجود خارجی ندارد که باید دید قبل از نگارش ابن سبا علامه عسکری است یا بعد از آن. نیز حواشی بر «المدخل....» زرقا دارند.

۵. از کتابخانه حیدریه حرم علوی هم بازدید مختصری شد. در بخش مخطوطات اکنون حدود ۷۰۰ مخطوط دارد که حدود ۵۰۰ مخطوط آن، قرآن‌های خطی است. یکی از قرآن‌های خطی آن، روی یک پیراهن نوشته شده است. از بخش فنی کتابخانه خطی حیدریه هم بازدید شد. برای آگاهی بیشتر می‌توان به سایت این کتابخانه به نشانی www.haydarya.com مراجعه کرد.



شهد زیارت

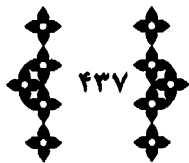
فرصت‌های زیارت

در دیدار ۱۲ روزه از عراق، طبعاً زیارت مشاهد مشرفه و عتبات عالیات، هدف مهم سفر بود. این توفیق دست داد و اقامت ۸ روزه در نجف (که با سه بار سفر به نجف همراه بود، نخست یکشنبه ۸۸/۱۱/۱۱ و بار دوم شنبه ۸۸/۱۱/۱۷ از کربلا به نجف و بار سوم جمعه ۸۸/۱۱/۲۳) با این لطف الهی قرین بود که محل اسکان تقریباً مجاور صحن علوی بود و در ابتدای محله حویش (و پشت منطقه التمه) و صدای قرآن و اذان حرم در منزل شنیده می‌شد و حدود پانصد قدمی با صحن علوی فاصله داشت. زیارت به کربلا نیز در دو فرصت رخ داد. نخست (مقارن با اربعین حسینی) شب پنجشنبه (شب ۱۹ صفر) از نجف به طرف کربلا حرکت کردیم و تا صبح شنبه در کربلا بودیم و بار دوم، پنجشنبه (۲۲ بهمن) از کاظمین به کربلا حرکت کردیم و شب جمعه (شب زیارتی امام حسین) تا صبح روز جمعه در کربلا بودیم (البته حضرت آقای جلالی چهارشنبه شب از کاظمین به کربلا آمده بودند). روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۲۱ و ۲۲ بهمن) نیز توفیق تشرف به سامراء و سپس کاظمین حاصل شد. این بخش نیز از فرصت‌های طلایی سفر بود. جز در سفر نخست (در دوره صدام) دیگر امکان زیارت سامراء برای من پیش نیامده بود و خلوت خاص دیدار سامراء در آن زیارت نخست، هم چنان بر جان و دل بود. این سفر، توفیق همراه شد. گرچه تخریب بارگاه مقدسه عسکریین، داغی جدید بود. قبرهای بی ضریح را زیارت کردیم. یادآوری بود از بقیع، اما با قبرهای بلند ترو امکان زیارت از نزدیکتر و حضور جمعی مشتاق که زیارت می‌کردند و البته ممانعتی نبود. روند بازسازی و امنیت سامراء بسرعت رو به رشد بود. ایوان‌های چهارگانه‌ای را در اطراف میساختند. سپس سرداب مقدس را که از آثار انفجار و تخریب در امان نمانده بود. زیارت کردیم و در بازگشت، زیارت سید محمد (فرزند امام هادی علیه السلام) که مورد توجه و اقبال فراوان عرب‌های عراق بوده و هست نصیب شد.

پس از سامراء به کاظمین آمديم. در سفرهای کاروانی، امکان زیارت سریع السیر فراهم بود. چیزی که برای ما ایرانی‌ها، که یک زیارت دل‌سیر را می‌طلبیم، اصلاً جوابگو نبود. در این سفر، از شب پنجشنبه تا بعد از نماز ظهر و عصر ۵ شنبه (۲۲ بهمن) در کاظمین بودیم و چند بار امکان زیارت دست داد و توفیق ویژه این سفر بود.

جمعه ۲۳ بهمن ماه (۲۷ صفر) از کربلا به سوی نجف حرکت کردیم. جماعت پیادگان هم چنان در راه بودند. انبوه و گسترده و اینک نه به سوی کربلا که به سوی نجف، و این رسم خاص در عراق است که در روز ۲۸ صفر، به قصد تسلیت و بیعت با حضرت علی علیه السلام به نجف بیایند. در بین راه، مشابه حوادث اربعین از پیاده رویها و اطعام‌ها و... دیده می‌شد. در حوالی نجف، امکان سفر با ماشین نبود. از ماشین پیاده شدیم. و مقداری از راه را پیاده و مقداری را با گاری (که اسباب تفرج و مطایبه دوستان شد) و مقداری دیگر را با سئوته (موتورهایی که به آن اتاقک‌های





۵. رک: تقیاء البشر سرگذشت محدث نوری

حمل مسافر متصل می‌کنند) رفتیم. اما نهایتاً از قسمت پائین صافی صفا پیاده تا منزل رفتیم تا آماده حرکت بعد از ظهر از نجف به تهران شویم.

پدیده اربعین حسینی

سفر، با این غنیمت معنوی مقارن شد که با ایام اربعین حسینی مصادف بود. از اربعین عراق، سخن‌ها شنیده بودیم و بسیار مترصد، که توفیق رفیق شود و دیداری از نزدیک پدید آید. از زمان مرحوم حاجی نوری پیاده روی اربعین حسینی معمول شد.^۵ از آن زمان به بعد، عراق با این رخداد، آشناست. در زمان صدام، از آن ممانعت شد و پس از سقوط صدام، شرایط امنیتی تا چند سال مانع از اجرای گسترده آن بود. اما سالیان اخیر، هر ساله با شکوه تراز سال گذشته، برگزار شده است.

امسال، گفته می‌شود که از آغاز ماه صفر، حرکت کاروانهای پیاده رو آغاز شده بود. از برخی بزرگان نقل می‌کردند که برای جلوگیری از ازدحام جمعیتی کربلا در اربعین، زیارات قبل از آن، نیز مقبول است. بخش وسیعی از زوار، قبل از اربعین، به کربلا رسیده بودند و بازگشتند. خود ما در شب پنجشنبه ۱۹ صفر، که به سوی کربلا می‌رفتیم، جمع کثیری را می‌دیدیم که در حال بازگشت از کربلا بودند.

ظاهراً شیعه عراق، چونان یک واجب، با زیارت اربعین برخورد می‌کنند. تقریباً کسی را نمی‌یابی که در اربعین، روبه کربلا نداشته باشد. از جنوب عراق، تا شمال عراق، فوج فوج، سوار پیاده را می‌یابی که ره به سوی قبله عشق دارند. امسال زوار خارجی نیز فراوان بودند. پاکستانی، افریقایی، اعراب حاشیه خلیج فارس، حتی شیعیان سعودی که با دونفر از آنان در بازگشت از کربلا هم سفر شدیم. گفته می‌شد، بیش از یکصد هزار نفر زائر خارجی در اربعین بوده است و عدد کل زوار، ده میلیون یا بیشتر تخمین زده می‌شد.

امواج پیادگان به سوی کربلا، بخشی از پدیده شگرف اربعین حسینی است. زن و کودک و پیرو جوان و... با دم پای، پابرهنه، لباسهای مندرس - که حافظ از سرما و گرما نیست و... در مسیر دیده می‌شوند، و راه‌های طولانی از جنوب عراق تا کربلا یا از شمال به کربلا را می‌پیمایند. در شرایط سخت آب و هوا، و در پاره‌ای از مناطق علیرغم مخاطرات گروه‌های تروریستی و سلفی این مسیر را عبور می‌کنند، تنها شور و شیدایی است که این سختی‌ها را قابل تحمل می‌کند.

سوارگان نیز در روزهای نزدیک به اربعین، با سختی ترافیک سنگینی روبه رویند. ما مسیر ۸۰ کیلومتری نجف - کربلا را ۷-۶ ساعت پیمودیم و در ۱۵-۱۰ کیلومتری کربلا، دیگر راه‌های ماشین رو بسته بود.

در بین راه، موکب‌های فراوان وجود داشت که عهده‌دار اطعام و اسکان و استقرار زوار بود. انواع غذاها، چای، قهوه، آب میوه، آب و... در بین راه به اصرار و الحاح در اختیار زوار قرار داده می‌شد. خیابانهای

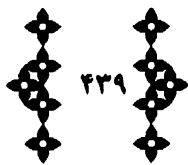


شهر کربلا و جاده‌های بین راه به رستورانهای دایر ۲۴ ساعته تبدیل شده بود، انبوه چوبهایی که در کناره هر موكب بود، زمینه غذاها و چای‌های آتشی و... را فراهم می‌ساخت، بوی كنده و دود، پس از مدت‌ها که ما در ایران با اجاق‌های گازی خو کرده بودیم، دوباره مشام مان را می‌نواخت و یاد گذشته‌های دور را تازه می‌ساخت. ظاهراً هر موكب که مستقر بود و یا می‌آمد، تدارکاتش را با خودش به‌مراه می‌آورد چه این که تهیه آن همه تدارک از کربلا و مسیر بین راه میسر نمی‌نمود. کاروانهایی را می‌دید که گاوها، گوساله‌ها و گوسفندها همراهشان است و گوشت‌های غذاهای اطعام را از تولید به مصرف همراه داشتند. همان جا می‌کشتند و پوست می‌کنند و قطعه قطعه در دیگها می‌انداختند. این که بتوان میلیونها زائر را در طول این روزهای متوالی، سیروسیراب نگاه داشت بلکه گرسنگی و تشنگی ایام سال از آنان زدود و گونه‌ای ضیافت اجتماعی را در خاطره‌ها زنده ساخت، تنها از یک شور و شوق درونی برمی‌خیزد که به اعماق ایمان و تاریخ متصل است. معجزه ایمانی مردمی است که خود هم شاید نمی‌دانند که چگونه چنین تدبیر می‌کنند.

اربعین، در داخل کربلا، شور خاص حسینی داشت. کربلا را چنین تجربه نکرده بودم. هیأت‌های سینه زنی و نوحه خوانی، ۲۴ ساعت در کربلا می‌خواندند و می‌گریستند. خیابانهای کربلا یک پارچه اشک و ماتم بود. تقریباً در تمامی خیابانهای کربلا در دو روزه ۱۹ و ۲۰ صفر، امکان تردد ماشین نبود. محل اقامت ما در پایان شهر بود. در کنار ترمینال و پلی تازه ساز، و نزدیک ۴۰ دقیقه پیاده تا حرم راه بود. از آن مکان تا حرم، امکان تردد هیچ ماشینی نبود و طول مسیر را پیاده می‌رفتیم. به واسطه شرایط امنیتی خاص در ایام اربعین، تقریباً حدود ۶ ایست بازرسی وجود داشت تا به حرم می‌رسیدیم. تنوع بازرسی‌ها، نشانه‌ای بود از احتمالات بالای فعالیت تروریستی که با تنوع ایست‌های بازرسی از مخاطرات می‌کاست. ظاهراً در ایام اربعین در خود کربلا اتفاقی نیافتاد هر چند در مسیرهای حرکت زوار، اتفاقاتی رخ داد.

دسته‌های سینه زنی و نوحه گر، ابتدا وارد حرم حسینی می‌شدند. در حرم حسینی و عباسی (و کلاً در حرم‌های عتبات در عراق) کفش‌ها، قبل از ورود به صحن به کفش داری‌ها تحویل داده می‌شد و زوار، پا برهنه وارد صحن می‌شدند اما دسته‌های عزادار با کفش، از باب القبله وارد و سپس از درب سمت راست آن خارج می‌شدند. محدوده صحن حسینی در این بخش غیر مفروش بود. و دسته‌های سینه زنی، با تمامی امکانات که داشتند، بلندگو، طبل و...، وارد صحن می‌شدند، می‌خواندند و سینه می‌زدند و می‌رفتند، ظاهراً زنجیر زنی در میان هیأت عراقی کمتر معمول است. مواردی مواکب تعزیه خوان (شبیه خوانی) در روز و شب اربعین در خیابانهای منتهی به حرم دیده می‌شد، نفهمیدم که داخل حرم هم می‌شدند یا خیر. پس از خروج هیأت از حرم حسینی، از طریق بین الحرمین، به حرم حضرت عباس وارد می‌شدند، از درب ورودی بین الحرمین وارد و از درب روبه روی آن خارج می‌شدند. هم چنان با کفش وارد می‌شدند و در بخش





غیر مفروش، به عزاداری می پرداختند و از دروبه روخارج می شدند.

فضای اربعین کربلا، عمدتاً عربی - عراقی است و جماعت ایرانی در خیابانها و حرم، در اقلیت اند. (برخلاف ایام عرفه یا دیگر ایام سال که جماعت ایرانی مشهودند و گاه اکثریت) اما در مجموع هئیات عزاداری ایرانی هم به سبک و سیاق ایران دیده می شدند.

اشعار و نوحه های مواکب عزاداری عراقی، عمدتاً مرثیه خوانی و سوگواری بود. اما نسبتاً موارد قابل توجهی دیده می شد که نوحه ها، وجه و بوی سیاسی هم داشت. با توجه به انتخابات عراق - و اخیراً توهین روحانی سعودی به آیه الله سیستانی - پاره ای از نوحه ها در دسته های عراقی، بوی سیاست هم پیدا می کرد.

در دروز، ۲۰-۱۹ صفر، جمعیت داخل حرم حسینی - بویژه زیر قبة مبارکه، بسیار انباشته و فشرده بود. در ورودی تشریف به حرم حسینی، گروه های انبوه با شعار «لبیک یا حسین» به درون می رفتند و موج های انسانی بود که آدم ها را این سو و آن سومی برد و گاه بیهوش و مدهوش بیرون می آورد. ظرفیت محدود حرم حسینی، اصلاتاب تحمل این جمعیت انبوه عاشق و مشتاق را نداشت. البته باید این نکته را در خاطر داشت که خوشبختانه زائران عرب و عراقی نه چونان ایرانی اند که کناره ضریح و درجوار عتبات ائمه، بخواهند ساعات متوالی قصد اقامت کنند. آنان به این بیان «زروانصرف» مقیدند و نگاهی و سلامی و حداکثر زیارت مختصر و در رکعت نماز. اگر آنان هم می خواستند چونان ایرانیان، زیارت طولانی و عبادات فراوان را در همان مکان محدود بجا آورند، بخش معظمی از زوار فرصت نگاه به عتبات را پیدا نمی کردند!

در شامگاه اربعین، باران نسبتاً شدید در ساعات متوالی بارید. به شهر، طراوت بخشید اما بسیاری در آستانه بازگشت بودند و هنوز باید پیاده می رفتند تا به نقطه ای برای سوار شدن می رسیدند، برای آنان زحماتی ایجاد کرد.

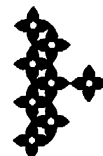
غروب حله

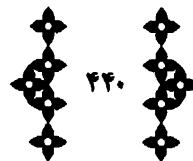
در شهر حله

اشاره

شهر حله، شهر تاریخی شیعه است و توفیق زیارت برخی از مقامات و مزارات اولیا و علما نائل شد. گفته می شود حدود ۴۰۰ مزار در شهر حله است.

یکشنبه ۸۸/۱۱/۱۸ حدود ظهر بود که وارد شهر حله شدیم. درین راه دیوانیه (قادسیه سابق) به حله، مزار حضرت قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام بود که برادر ابوینی امام رضا علیه السلام است.





در شهر حله، به راهنمایی برادر مکرم ابوجعفر حلی، مزارات و مقابر زیر زیارت شد:

۱. مقبره ابن ادریس (م ۵۹۸ ق): این مرقد، در صحن مسجدی بزرگ و دلنواز قرار داشت. دو قبر در آن مزار دیده می‌شد. مرقد ابن ادریس و مرقد ابن فقیه (از علمای قرن ۷-۸ ق)

۲. مرقد سید رضی الدین علی بن طاووس (م ۶۶۴): مؤلف آثار گرانمایی چون الاقبال و... (البته نقل دیگری است که ایشان در نجف و در حرم مطهر علوی مدفونند که ظاهراً همین صحیح است)^۹

۳. مرقد سید عبدالکریم بن طاووس (م ۶۹۲): ایشان پسر برادر سید علی بن طاووس است و در کنار سید علی بن طاووس مدفون است و مؤلف فرحة الغری فی تعیین قبر علی علیه السلام است.

۴. مرقد شیخ علی شهنیزی شاعر، ادیب، فقیه و... که شعری در غدیر دارد. او از علمای قرن هشتم است و مسجد و حسینیه‌ای در کنار مرقد اوست. بر سنگ قبر او نوشته شده بود: «له موقع فی دفاع أهل الحلة...».

۵. مقام امام صادق علیه السلام: راهنمای ما ابوجعفر حلی به این مکان دل‌بستگی داشت. مقاله و یا رساله‌ای درباره آن نوشته است. ظاهراً حضرت صادق علیه السلام در احضارهای مکرر منصور دوانیقی از این مسیر عبور کرده است. مقام در کنار شط است و بواسطه سبیل خراب شده بود، و به صورت نمادین، و در مجاورت آن، مکان دیگری ساخته بودند. اما با پیگیری‌های ابوجعفر حلی و همکاری‌های مردم حله، دوباره مکان در محل سابق تجدید گردیده است. از این مقام در مناقب این شهر آشوب یاد شده است و محل مشهوری نزد علمای شیعه بوده است.

۶. مرقد ابن عرندس: از شعرای غدی در قرن هفتم که در الغدی ذکر شده است.

۷. مرقد ابوالفضائل سید جمال الدین احمد بن طاووس (م ۶۷۳ و یا ۶۷۷): صاحب تالیفات فراوان از جمله بشری المحققین و کتاب رجال.

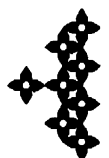
۸. مرقد سید عبدالله بن طاووس: پسر سید رضی الدین علی بن طاووس. این مرقد در جوار مرقد سید جمال الدین احمد قرار دارد.

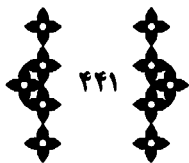
در کنار این دو مرقد مسجدی بود که روحانیسی - که گفته می‌شد وکیل آیه الله سیستانی در حله بود - برای چند نفر درس می‌گفت و ظاهراً درس احکام بود. چند دقیقه‌ای با او گفت و گو صورت گرفت و از آن چه صدام بر حله و کتابخانه‌های آن مسجد وارد کرده بود، حکایت می‌کرد. کتابخانه کوچکی در مسجد در حال شکل‌گیری بود.

۹. مرقد محقق حلی (م ۶۷۶ ق): در کنار مسجدی قرار دارد. مقبره، دارای گنبد و بارگاهی کوچک است. از زیارت این مزار، بسیار مسرور و مشعوف شدم. رحمه الله علیه رحمة واسعة.

۱۰. مشهد رد الشمس: این مزار، با این شان نزول است که حضرت علی علیه السلام پس از نهروان، به بابل

۹. ممکن است در آغاز جسد مبارک ایشان را در آنجا به ودیعه گذاشته باشند و سپس در نجف مدفون شده باشد. چنانکه در مورد سید مرتضی عمل شده است. (کتاب شیعه)





رسید و هنوز نماز نخوانده بود. لذا در این مکان، رد الشمس برای حضرتش صورت گرفت. این روایت، در کافی نقل شده است و سید حمیری در شعر خود، در تجلیل حضرت امیر علیه السلام می گوید که برای او دو بار رد شمس صورت گرفت. مناره ای زیبا و قدیمی دارد. ظاهراً از دوره آل بویه است و ۸۰۰ سال از عمر آن می گذرد.

۱۱. مرقد محمد ابن نما (م ۶۴۵ ق): استاد سید بن طاووس مسجد نوسازی در جوار آن است. ظاهراً دو سال قبل توسط گروه های تروریستی منفجر شده بود و صدها کشته و مجروح داشته است ولی اکنون دوباره بازسازی و نوسازی شده است.

۱۲. مرقد جعفر بن نما (م ۶۸۰): مؤلف کتاب منیر الاحزان.

۱۳. مقام امام مهدی علیه السلام: این مقام، از مقامات قدیمی حله است. نام آن در رحله ابن بطوطه آمده است. علامه حلی در آن یا در مدرسه مجاورت درس داشته است. مسجدی پشت مقام حضرت مهدی است که قبلاً جزء مقام بوده است اما اکنون در اختیار اهل سنت است و ظاهراً از دوره عثمانی در اختیار آنان قرار گرفته است. ابو جعفر حلی در مورد این مقام کتابی نوشته با نام تاریخ مقام الإمام المهدی (عج) فی الحلة که به سال ۱۴۲۶ در قم منتشر شده است.

۱۴. در مراجعت از حله و در بین راه حله - نجف، به مزار «ذی الکفل» رفتیم. محوطه مزار، معماری یهودی دارد. داخل مزار، قبر بزرگی است و در گرداگرد آن، خطوط عبری دیده می شود. پشت مزار، قبور برخی از افراد بود که به عنوان یاران ذوالکفل از آنان یاد می شد. در کنار مرقد، مسجد نخیلیه و مناره ای با طول ۲۴ متر و با ارزش های معماری وجود دارد که ظاهراً از دوره اولجاتیو مغول است و مقداری کج شده بود و در حال مرمت آن بودند.

متولی مزار را پس از زیارت دیدیم. وی اظهار کرد که یهودیان، تا قبل از مهاجرت از عراق، اینجا بوده اند و مکان در اختیار آنان بوده است. الان هم به مجامع جهانی شکایت کرده اند که این مکان، معبد یهودیان است و شیعیان آن را اشغال کرده اند. فعلاً هم مرقد ذوالکفل و هم مسجد جامع مجاور در اختیار دیوان وقف شیعی است.^۷

ساعاتی در دیوانیه

در مسیر نجف به حله، به دیوانیه رفتیم، زیرا شخصی به نام «عبدالکاسم البدیری» در قم، به آقای مبلغی مراجعه کرده بود که که صاحب بزرگترین آرشیو روزنامه ها و مجلات عراقی است و در دیوانیه زندگی می کند. این ادعا، باعث شد که به احتمال دریافت برخی از مقالات و اسناد مرحوم کاشف الغطاء، ارتباطی با وی برقرار شود. از این رویکشنه ۸۸/۱۱/۱۸ از نجف به سوی دیوانیه حرکت کردیم. در حدود ساعت ۱۰ به دیوانیه رسیدیم. خود او در میدانی به استقبال آمد و ما را در کوچه پس

۷. شاید بتوان مانند حرم حضرت دانیال نبی در شوش (خوزستان)، بعضی از روزهای سال آن را در اختیار یهودیان قرارداد که این شکایت و اعتراض از میان برود. در این برنامه که در شوش اجرا می شود، یهودیان از نقاط مختلف جهان شرکت می کنند و دفتر یادداشت حرم دانیال، رضایت آنها از این موضوع را نشان می دهد. (کتاب شیعه)



کوچه های يك بازار، به محل کار خود رسانند. در طبقه فوقانی، بادواتاق، بسیار درهم ریخته و غبارآلود و نامرتب! در ضمن گزارش، لوح های تشویق و تقدیر از خود را نشان می داد و ادامه همان دعاوی که بزرگترین آرشیو نشریات و روزنامه های عراقی را در اختیار قرار دارد. نمونه قرارداد های پیشین خود را نشان داد. از جمله این که برای آقای شهرستانی، مجموعه مطالبی را که روزنامه ها و مجلات عراقی در مورد آیه الله سیستانی منتشر کرده اند، گرد آورده است و یا برای عادل عبدالمهدی (معاون رئیس جمهور عراق) مجموعه ای چند جلدی از مطالب روزنامه ها و مجلات مدون کرده است.

ادعاهای او در مورد چنین امکانات، در آن دواتاق درهم و برهم، و با دو کارمند (که یکی مدیر مؤسسه هم بود) و ده ها علایم دیگر، ناسازگاری نمود. در مجموع، باز دید آب سردی بود بر توقع پدید آمده. به سختی از پیگیری و اصرارهای «البدیری»، که می خواست ساعات بیشتر را در آن جا باشیم، گریختیم. دعاوی البدیری، (که بیش از نه میلیارد سند مطبوعاتی در اختیار دارد و پاره ای دیگر از دعاوی و نیز شیوة تلفظ البدیری که ابو جعفر حلی می گفت تلفظ درست آن به فتح اول و کسر دوم و سکون سوم و باقی مانده آن «دیری» است به تلفظ «دیر» راهب و... و مطالبی چون آن)، بخشی از مطایبات این سفر شده بود.

مؤخره

تعامل با حوزه نجف و دیگر حوزه های عراق

با سقوط صدام و شرایطی که در عراق پس از سقوط او پدیدار شده است، روند روبه رشد حوزه های علمیه عراق (بویژه حوزه نجف) دیده می شود. از این رو، باید به تعامل حوزه های ایران بویژه حوزه قم، به گونه ای جدید تر اندیشید:

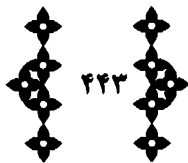
اهمیت تاریخی حوزه نجف

۱. سابقه دیرینه هزار ساله حوزه نجف، در تولید و نشر علوم اسلامی - شیعی
۲. جایگاه حوزه نجف به عنوان مرکز مهم نهاد مرجعیت در سده های زیادی از تاریخ تشیع (بویژه در چند صد ساله اخیر)
۳. موقعیت ویژه حوزه نجف در میان شیعیان جهان با ملیت های گوناگون
۴. توجه ادیان و مذاهب جهان به حوزه نجف به عنوان مرکز مذهبی مهم شیعی

اهمیت عینی حوزه نجف

- موارد فوق و موارد مشابه، در حافظه تاریخی جوامع شیعی، اسلامی، جهانی قرار دارد. افزون بر موارد فوق، نکات زیر، ویژگی های فعلی حوزه نجف اند:
۱. حضور برخی از مراجع شیعی بویژه حضرت آیه الله سیستانی که در جهان تشیع اثر گذارند.





۲. مسیر روبه رشد حوزه های علمیه عراق بویژه حوزه نجف (که اکنون مدارس آن بازسازی یا روبه نوسازی است، دروس رونق نسبی یافته اند، فضلا و طلاب آن افزایش یافته اند و...).

۳. نقش مهم مراجع حوزه عراق بویژه حوزه نجف در تحولات عراق و آینده شیعیان آن کشور.

۴. ارتباطات گسترده شیعیان جهان با حوزه نجف (عراق) در زیارت عتبات (که سالانه میلیونها نفر زائر عتبات از نقاط گوناگون جهان به عراق و نجف می روند) و نیز ارتباطات غیر حضوری از طریق تلفن ها، نامه ها، سایت ها و...

قابل توجه است که فضای بین المللی (غیر ملی) حوزه نجف و زبان عربی که در حوزه رواج دارد و عوامل دیگر موجب بسط این ارتباطات شده است.

۵. وجود کتابخانه ها و مراکز علمی (که هنوز یادگارهای مهمی از گذشته علمی دارند)

تعامل تاریخی ایران با حوزه نجف

ایران در طول تاریخ، بویژه در چند صدساله اخیر، ارتباطات فعالی با حوزه نجف داشته است. از جمله، این ارتباطات را می توان در محورهای زیر دید:

۱. بخش قابل توجهی از حوزه نجف را، ایرانیان تشکیل می دهند (در سطوح مختلف: مراجع، اساتید، فضلا و طلاب حوزه) حضور ایرانیان در حوزه نجف، چندان چشمگیر بود که در بسیاری از مقاطع، پاره ای از دروس حوزه توسط مدرسان به زبان فارسی ارائه می شد، تقریباً تمامی نسل پیشین حوزه نجف، فارسی می دانستند (هر چند غیر ایرانی).

۲. ایران، بخش مهم از تدارکات زیرساختی حوزه نجف را تامین می کرد. بسیاری از مدارس مهم نجف را ایرانیان ساخته یا تامین اعتبار کرده اند.

۳. ایران، پشتوانه مهم وجوه شرعی و تامین هزینه های زندگی حوزویان نجف بود.

وضعیت کنونی تعامل ایران و حوزه نجف

گرچه با سقوط صدام، روابط سیاسی - اقتصادی نسبتاً گسترده ای میان ایران و عراق شکل گرفته است، اما در حیطه های ارتباطات و تعاملات فرهنگی جز در حیطه زیارت، کار قابل توجهی صورت نگرفته است. در قلمرو زیارت، علایق جامعه شیعی ایران، موجب شده است که در ساخت و ساز اماکن مقدسه، سرمایه گذاریهای مهمی صورت گیرد. همچنین زائران فراوان از ایران در تمامی ایام سال، بویژه در ایام زیارتی، توفیق تشریف به عراق بیابند.

اما در غیر مقوله زیارت، در روابط فرهنگی ایران و عراق پس از سقوط صدام، نکته ای قابل ملاحظه دیده نمی شود. با آنکه بنای دیرین روابط ایران و عراق، حیطه های علمی - فرهنگی بوده است و نقاط دیرپای مشترک دو جامعه، که می تواند توسعه روابط سیاسی، اقتصادی را هم پدید آورد



در این حوزه قرار داشته و دارد.

طبعاً در گسترش زیر ساخت های روابط فرهنگی ایران و عراق، نقش حوزه های علمیه دو کشور مهم و اساسی است. نکته ای که تاکنون چندان مورد توجه جدی مدیران کشور و حوزه نبوده است.

چشم انداز و دغدغه ها

با توجه به دیرینه روابط فرهنگی و حوزوی، چشم انداز روابطی فعال بین دو کشور و دو حوزه، دور از دسترس نیست. اما این ارتباطات، در سه سطح باید تعریف شود:

الف) ارتباطات فرهنگی - علمی ایران و عراق

ب) ارتباطات فرهنگی - علمی ایران با جامعه شیعی عراق

ج) ارتباطات فرهنگی - علمی حوزه های ایران و عراق (بویره قم و نجف)

دو سطح نخستین، فعلاً در این مجال نمی گنجند اما سطح سوم را می توان مورد عنایت ویژه قرار داد در ارتباطات دو حوزه قم و نجف، به نظر می رسد شایسته است اصول زیر از ناحیه حوزه های ایران مورد توجه قرار گیرند:

۱. احترام به سابقه و دیرینه حوزه نجف (هرچند به واسطه شرایط سخت دوره حاکمیت بعثی و حوادث تحریم عراق و شرایط پس از سقوط صدام، وضعیت روبه ضعف را گذرانده اند)

۲. فاصله گذاری روابط علمی - فرهنگی از گرایشها و جهت گیریهای سیاسی

۳. عدم ورود در اختلافات و رقابتهای درون حوزه نجف

۴. اعتماد سازی در این که روابط علمی - فرهنگی فارغ از دخالت و یا تأثیر گذاری سیاسی است.

۵. رعایت معیارها و شؤون مورد توجه و احترام حوزه های سنتی (از جمله حوزه نجف)

۶. احساس علاقه و سماحت از سوی حوزه های ایران و قم در توجه به شکوفایی مجدد حوزه نجف

۷. عدم ورود در شائبه تعلق به ایرانی سازی حوزه نجف^۸

* و در پایان، امید می رود که تعامل فعال تر حوزه قم و نجف، بتواند چشم اندازی جدید در رونق علمی - فرهنگی اسلام و شیعه ایجاد کند.

۸. با توجه به این که سال ۲۰۱۲ قرار شده نجف، پایتخت فرهنگی جهان اسلام، از سوی سازمان کنفرانس اسلامی اعلام شود، خوب است که سازمانها و مراکز فرهنگی ایران در این برنامه نقش داشته باشند و به آن کمک کنند. تجربه های مراکز ایران در این موارد (مثل تجربه ای که در مورد پایتخت فرهنگی شدن اصفهان در چند سال پیش بود)، می تواند برنامه ۲۰۱۲ نجف را پویا کند. (کتاب شیعه)

